



علی بن عمری گوید از امام صادق (ع) پرسیدم  
فرزواره ایدها را به لقمان حکمت دادیم چه می گوید؟  
فرمودند: بدو شناخت امام و مالش دادند و این بود.  
تفسیر صریح (عصا)

## حضرت حجت (عج)

مجموعه بیانات و اشارات آیت الله بهجت (ره) پیرامون حضرت ولی عصر (عج)

نویسنده: مرکز تنظیم و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی بهجت (ره)

مرکز تنظیم و نشر آثار آیت الله العظمی بهجت



علی بن صری گوید از امام صادق ؑ پرسیدم:  
در باره آن چه عشاء به لقمان حکمت دادیم چه می گوید؟  
فرمودند: به نوشتن تحت اهل بیتش و در مشایخ بود.  
التمیز ص ۱۰۸

## مقدمه

## دل‌نوشته‌ای برای جرعه‌نوش کتاب

بسم الله الرحمن الرحيم

«بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ»<sup>۱</sup> خدا را سپاس که ما را در امت نگین پیامبران و ستاره پرفروغ امامان قرار داد. پیامبر اولوالعزمی چون حضرت موسی (ع) آرزو می‌نمود در میان یاران پیامبر خاتم (ص) قرار گیرد، اما یاران پیامبر (ص) خود به برادران آن حضرت در زمان غیبت غبطه می‌خورند. همان‌هایی که با انتظار کشیدن و التماس دیدار امام زمان (عج) قلبشان را چنان زیبا و نورانی می‌کنند که پیامبر (ص) شوق دیدارشان را داشته باشد و دو بار بفرماید: «اللَّهُمَّ لَقِّنِي إِخْوَانِي؛ خدایا مرا به دیدار برادرانم برسان». چه نعمتی بزرگ تر از این که قلب نازنین پیامبر (ص) اشتیاق دیدار شخصی را داشته باشد؟ چه اکسیری است اشتیاق دیدار امام زمان (عج) را داشتن. به راستی که امام زمان (عج) در ظهور و غیبت برای آفریده‌های الهی خیر محض است.

برادران آخرالزمانی رسول خدا (ص) چراغ‌های دوران غیبت هستند. پیامبر (ص) به نیکی آن‌ها را می‌شناسد، زیرا خداوند یکایکشان را به او معرفی نموده است. امید است ما نیز به توفیق الهی بتوانیم این چراغ‌های هدایت را بشناسیم تا همچون

آن‌ها از فتنه‌های پر گرد و غبار دوران غیبت نجات یابیم. اما نور این چراغ‌ها یکسان نیست و بهره‌ای که از خورشید عالم تاب هستی، امام زمان (عج) می‌برند برابر نیست و به همین میزان، اهمیت شناخت این چراغ‌های هدایت نیز متفاوت است. کمال حقیقی و سعادت نهایی انسان در گرو معرفت خداوند است و معرفت‌الله، جز از طریق معرفت جانشین و خلیفه او روی زمین ممکن نیست. اما ظلمی که ستمگران این امت در حق نمایندگان خداوند و اسباب پیوند زمین و آسمان روا داشتند ما را از حضور ظاهری آخرین ذخیره الهی محروم ساخت. اکنون برای شناخت امام‌مان راهی جزیی جویی آثار او نداریم، همان‌طور که در زمان امام صادق (ع)، آنان که در شهرهای بسیار دور بودند اخبار حضرت را از یاران نزدیک‌تر می‌گرفتند. این کتاب برگرفته از انوار تابناک یکی از پرنورترین چراغ‌های هدایت در زمان غیبت، آیت‌الله شیخ محمد تقی بهجت (قدس سره) است، امید است مطالعه آن و عمل به آموزه‌هایش، گامی باشد در جهت شناخت حضرت ولی عصر (عج) و قدم زدن در مسیر ایشان. ان شاءالله!

آیت‌الله بهجت (قدس سره) به حق مصداق «علمای دعوت کننده به قائم آل محمد (عج)» است که به فرموده امام هادی (ع) اگر در زمان غیبت حضور نداشتند دام‌های ابلیس و یارانش مردم را گرفتار می‌ساخت و دین آن‌ها را سلب می‌نمود.

می فرمود: «جناب آقای بهجت دارای مقامات معنوی بسیار ممتازی هستند. ایشان دارای موت اختیاری است. یعنی قدرت این را دارد که هر وقت بخواهد روح را از بدن جدا و به اصطلاح خلع کند و باز مراجعت کند.»

آقای قوچانی (ره) در همین رابطه می فرمود: «خدمت آقای قاضی اعلی الله مقامه بودم که نامه‌ای از آقای بهجت (قدس سره) برای ایشان آمد. در آن نامه آقای

بهجت پرسیده بود: اگر کسی یک یا سه شبانه‌روز با خلع روح، در محضر امام زمان (عج) باشد، حکم نماز و روزه او چیست؟ آقای قاضی (قدس سره) فرمود: این سؤال را می دانم که مربوط به خود ایشان (یعنی آیت‌الله بهجت) است.» بی دلیل نبود که آیت‌الله بهاء‌الدینی (قدس سره) می فرمود: «ایشان ثروتمندترین مرد دنیا از نظر معنوی هستند.»

یکی دیگر از مقامات ایشان این بود که افرادی که به محضر امام عصر (عج) مشرف می شدند را می شناخت، بدون آن که از قبل آن‌ها را دیده باشد. ایشان در جلسه‌ای خصوصی و به اصرار یکی از بزرگان در این باره فرموده بود: «یکی از عنایاتی که به بنده شده، این است که اگر برای کسی تشریف حاصل شده، ولو یک بار در عمرش باشد، او را می شناسم.»

ایشان با مراقبت بر نفس خویش و مواظبت بر عمل برطبق رضای امام خود، به این

عالمانی که دل‌های شیعیان را از فتنه‌های دوران غیبت حفظ می کنند همان طور که ناخدا، سواران کشتی را از امواج خروشان دریا حفظ می کند.<sup>۱</sup> آیت‌الله بهجت (قدس سره) از مصادیق تام و تمام «راویان حدیث» است که در توقیع شریف امام زمان (عج) حجت برای شیعیان قرار داده شده‌اند و امر شده‌ایم به آن‌ها رجوع کنیم.<sup>۲</sup>

ایشان از زمان کودکی در مسیر کسب رضای امام زمان (عج) قدم گذاشت و خداوند نیز به پاس تلاش صادقانه‌اش نزدیک‌ترین راه را به او نشان داد و در قرابت با امام زمان (عج) به بالاترین درجات نائل شد، تا جایی که به وصال محبوب دست یافت و در معرفت و محبت به امام خویش گوی سبقت را ربود. چنان که برای برخی از خواص فرموده بود، بیش از چهل، پنجاه مرتبه خدمت حضرت شرفیاب شد.

استاد ایشان آیت‌الله قاضی اعلی الله مقامه در همان جوانی درباره ایشان فرموده بود: «او ترقیات فوق العاده‌ای داشته است»<sup>۱</sup>. ترقیاتی که شیخ عباس قوچانی (ره) درباره آن چنین نقل می کند: «از آیت‌الله بهجت (قدس سره) به دست آوردم که خدا بیش از بیست مقام به ایشان داده است؛ ولی چه کنم که عهد دارم به کسی نگویم». حاج آقا مصطفی خمینی (ره) به نقل از مرحوم امام (قدس سره)

درجات نائل گردید و امین حضرت (عج) در پاسداری از دین مردم گشت و راهنمای آن‌ها به سوی دروازه شهر علم شد و با عبور از «منیت» به مقام «منا» رسید.

هر عاشق شیدایی که دیدار امام زمان (عج) را انتظار می‌کشد، مشتاق شنیدن سخنان و حکایات چنین کسی است که توفیق تشریف به محضر حضرت (عج) را یافته و از دریای معارف او جرعه‌ها چشیده است. شخصیت کم‌نظیری که در پرتو عنایات اهل بیت (ع) پرورش یافت و به کمالات بی‌نظیری دست یافت که فراتر از دایره ادراک و تصور ما است. مهمترین کرامت ایشان که محور همه مقامات ایشان است بندگی و اطاعت محض از دستورات الهی بود. او تسلیم امام زمان خود بود و کتاب زندگی‌اش را با حضور در محضر ایشان نگاشته بود. کتابی که سطر به سطر آن دلدادگی و شیدایی و بندگی است. اگر چه جز اوراق اندکی از آن برای ما آشکار نشد، اما همین مقدار مغتنم است و خواندنش برای شیفتگان امام عصر (عج) راهگشا است.

کتاب حاضر ثمره بیش از بیست سال فعالیت و تلاش جهادی دست اندرکاران و پژوهشگران مرکز تنظیم و نشر آثار حضرت آیت‌الله بهجت در جمع‌آوری فرمایشات آن فقیه عارف و حدود سه سال کار مستمر جهت تحقیق و تتبع و تدوین نهایی آن

تحت اشراف شاگردان ایشان و بیت معظم‌له است.

در ابتدا سخنان معظم‌له از آرشیو صوتی و تصویری به شکل متنی پیاده شد. سپس دسته‌بندی و تطبیق و تحقیق و مراجعه به منابع اصلی و پژوهش در زمینه‌هایی که به غنای علمی بحث کمک می‌نمود، در دستور کار قرار گرفت. علاوه بر این، با استفاده از یادداشت‌هایی که از شاگردان و اطرافیان حضرت آیت‌الله العظمی بهجت از جلسات درس خارج فقه و اصول به یادگار مانده است در تکمیل مطالب استفاده گردید. از میان این آثار، به طور ویژه از کتاب در محضر حضرت آیت‌الله بهجت، نوشته حجت الاسلام والمسلمین رخشاد استفاده شده است.

در ادامه برای رفع ابهام ناشی از گزیده‌گویی معظم‌له و ارائه توضیحات بیشتر در تبیین مطالب، از پاورقی‌های تحقیقی و مقالات پژوهشی در فصل ملحقات کتاب استفاده شده است. محققان این مرکز با بررسی ده‌ها کتاب روایی از منابع شیعه و اهل سنت و کتب تخصصی در زمینه مهدویت، سعی داشته‌اند تا حد امکان، منابع و اسناد بیانات آیت‌الله بهجت را تخریج و مستند نمایند، و مسیر تحقیق و پژوهش را برای علاقه‌مندان هموار سازند.

این کتاب حاوی عصاره‌ای از زندگانی عالمی بزرگ و عارفی پارسا و تنها چکیده‌ای از نود سال تحصیل علم و جهاد اکبر و تثبیت اخلاص و نزول توفیق الهی است.

بنابراین بدیهی است آنچه در آن منعکس شده، تنها بخش کوچکی از این ثمرات گران بهاست.

به طور کلی این کتاب مشتمل بر چهار گلستان است. در گلستان اول پایه‌های اساسی الگوی فکری و سیره عملی آیت‌الله بهجت (قدس سره) درباره چگونگی ارتباط با امام زمان (عج) بیان می‌شود. این فصل از کتاب در دو بخش پایه‌های اعتقادی و عملی ارتباط با امام عصر (عج) تنظیم شده است، و بیانگر دیدگاه معظم له در این دو ساحت است.

گلستان دوم که بیشترین حجم کتاب را به خود اختصاص داده است، دربردارنده بیانات گران بهای آیت‌الله بهجت (قدس سره) پیرامون امام زمان (عج) است. این گلستان با توجه به گستردگی موضوعات در ۱۲ گلشن دسته بندی و تنظیم شده است. لازم به ذکر است که سخنان معظم له در این بخش مطالبی است که به صورت شفاهی و در ضمن درس خارج فقه و اصول بیان شده است. از این رو ایشان بنایی بر استدلال‌های تفصیلی و بیانات توضیحی نداشته‌اند. همچنین مخاطب ایشان طلاب درس خارج فقه و اصول بوده‌اند که نسبت به اشارات و مبانی موجود در کلام معظم له واقف بوده‌اند. از سوی دیگر رعایت امانت در نقل و حفظ لحن صمیمی ایشان سبب شد اسلوب گفتاری کلام ایشان حفظ شود و در

صورت لزوم توضیحاتی در پراکنش و گروه به کلام ایشان اضافه گردد. این شیوه اگرچه بر شیرینی و روانی سخنان افزوده است اما تا حدودی آن را از ساختار نوشتاری دور می‌کند.

این نکته بیش از همه در گلشن دوازدهم نمودار می‌شود که شامل پرسش‌ها و پاسخ‌های شفاهی طلاب در پایان جلسه درس از ایشان است. پاسخ‌های ایشان در این بخش، از دو جهت خلاصه و گاه به صورت اشاره و تلمیح است. اول آنکه روش ایشان در اختصارگویی بوده است، و دوم آنکه بیشتر این سؤالات مربوط به دهه پایانی زندگی این عالم وارسته است. ایامی که بیش از نود سال از عمر شریف ایشان سپری شده و به صورت طبیعی در پایان جلسه ضعف و خستگی بر ایشان عارض می‌شد. از این رو برای فهم بهتر مطالب ایشان، توضیحات نسبتاً مفصلی در پانویس و در برخی موارد در بخش ملحقات کتاب، افزوده شده است.

علاوه بر این، یکی از روش‌های معظم له این بود که حکایات مهم را در مجالس مختلف تکرار می‌کردند. لذا در این نوشتار، ضمن پرهیز از تکرار، گاه یک حکایت در چند جا بیان شده است. چراکه هر یک از نقل‌ها دارای نکات منحصر به فردی است که در کنار هم تصویر جامعی از موضوع را به مخاطب ارائه می‌دهند. ضمن آنکه نشان دهنده اهتمام ویژه ایشان به آن موضوع نیز می‌باشد.

گلستان سوم به تشرفات آیت‌الله بهجت (قدس سره) محضر حضرت ولی عصر (عج) اختصاص یافته است. حکایاتی اندک از تشرفات متعددی که از گوشه و کنار پرده ضخیم کتمان او بیرون زده و نشان‌دهنده ثمره مجاهدت‌های این عالم ربانی در طول عمر خویش در راستای رضای امام زمان (عج) است. این تشرفات حکایت از رابطه‌ای عمیق میان او و حبیبش دارد، که یک عمر سعی در کتمان آن داشت. خواندن این بخش هر عاشق شیدایی را برای دیدار یار حقیقی تشنه‌تر می‌کند و آتش عشقش را شعله‌ورتر می‌سازد.

بخش چهارم کتاب همچنان که اشاره شد، به توضیح و تبیین پاره‌ای از موضوعات و مفاهیم طرح شده در فرمایشات آن عالم ربانی اختصاص دارد که با تلاش پژوهشگران این مرکز و با در نظر گرفتن مبانی و منظومه فکری حضرت آیت‌الله بهجت، مقالاتی علمی پژوهشی جهت علاقه‌مندان به مباحث مهدویت تنظیم و تدوین گردیده است. همچنین در این بخش سؤالات و شبهاتی که ممکن است خواننده را به دلیل فقدان دانش کافی پیرامون آن، دچار تزلزل یا توقف نماید، مطرح شده و با استناد به منابع حدیثی تشیع و اهل سنت به آن‌ها پاسخ داده شده است.

ذکر این نکته لازم است که برای اطمینان بیشتر از درستی محتوای متن‌ها و

پاورقی‌ها، این مطالب در مراحل مختلف کار به تأیید گروه ناظران شامل جمعی از فضیای شاگردان آیت‌الله بهجت - که سال‌های سال در خدمت ایشان و مورد اعتماد معظم‌له بوده‌اند - و نیز فرزند گرامی ایشان حجت الاسلام و المسلمین حاج شیخ علی آقای بهجت که همواره همراهی و ارشادات ایشان سبب دلگرمی دوستان و اتقان امور بوده رسیده و در این مسیر اصلاحات لازم صورت گرفته است. در پایان ضمن تشکر از همه عزیزانی که در جمع آوری و تدوین اطلاعات اولیه تا تأیید و تحقیق متون و نگارش و ویرایش بخش‌های گوناگون کتاب و ترجمه متون ما را یاری کردند و با تمسک و احترام به سیره آن فقیه عارف و با گمنامی و اخلاص وصف ناشدنی، درج اسامی ایشان ممکن نشد، سپاسگزاری می‌نماییم.

همچنین درود و رحمت می‌فرستیم بر علمای بزرگی که در این کتاب از آثارشان استفاده شده است. همان‌ها که با تلاش‌های بی‌وقفه و خالصانه در دوران غیبت آثار ماندگار و گران‌بهایی را در اختیار ما قرار داده‌اند و در نگارش این کتاب از خوان و مانده آن‌ها نیز بهره جستیم. امید آنکه این تلاش، مقبول افتد و دعای خیر آن امام همام (عج) روشنی بخش و مایه برکت آن باشد.

به ثمر نشستن این اثر در طلوعه قرن جدید را به فال نیک می‌گیریم. امید آنکه بتوانیم سلوک و سیره این عبد خدا را سرلوحه زندگی قرار دهیم و در پرتو آن با امام

## گلستان اول: راه وصال

دورنمایی از منظومه دیدگاه و رفتار مهدوی حضرا آیت الله بهجت (قدس سره)

زمان (عج) عهدی جدید بیندیم و به سهم خود در تعجیل فرج اثرگذار باشیم. از خداوند منان می‌خواهیم همان طور که این کتاب، به نام مبارک ولی عصر (عج) نورانی و مبارک گردیده است، نامه اعمالمان را نیز با اکسیر رضایت آن دردانه هستی درخشان سازد. «يا أَيُّهَا الْعَزِيزُ مَسَّنَا وَأَهْلَنَّا الضَّرَّ وَجِئْنَا بِبِضَاعَةٍ مُرْجَاةٍ فَأَوْفِ لَنَا الْكَيْلَ وَتَصَدَّقْ عَلَيْنَا إِنَّ اللَّهَ يَجْزِي الْمُتَصَدِّقِينَ».

۱۵ شعبان المعظم ۱۴۴۳ ه.ق

سالروز ولادت حضرت حجت، امام مهدی (عج)



## الگویی برای دوستی با امام عصر (عج)

امام رضا (ع) می‌فرماید:

«الْإِمُّ كَالشَّمْسِ الطَّالِعَةِ الْمُجَلَّلَةِ بِنُورِهَا لِلْعَالَمِ، وَ هِيَ فِي الْأَبْحِيثِ لِاتِّنَالِهَا الْأَدَّ وَ الْأَرَّ، الْإِمُّ الْبَدْرُ الْمُنِيرُ وَ السَّرَاجُ الزَّاهِرُ وَ النُّورُ السَّاطِعُ وَ النَّجْمُ الْهَادِي فِي غِيَابِ الدَّجَى وَ أَجْوَازِ الْبُلْدَانِ وَ الْقِفَارِ وَ لَجَجِ الْبِحَارِ، الْإِمُّ الْمَاءُ الْعَذْبُ عَلَى الظَّمِّ وَ الدَّالُّ عَلَى الْهُدَى وَ الْمُنْجِي مِنَ الرَّذَى، الْإِمُّ النَّارُ عَلَى الْيَفَاعِ الْحَارِّ لِمَنْ اصْطَلَى بِهِ وَ الدَّلِيلُ فِي الْمَهَالِكِ مَنْ فَارَقَهُ فَهَالِكٌ، الْإِمُّ السَّحَابُ الْمَاطِرُ وَ الْغَيْثُ الْهَاطِلُ وَ الشَّمْسُ الْمُضِيئَةُ وَ السَّمَاءُ الظَّلِيلَةُ وَ الْأَبْسِيطَةُ وَ الْعَيْنُ الْغَزِيرَةُ وَ الْعَدِيرُ وَ الرَّوْضَةُ، الْإِمُّ الْأَسُّ الرَّفِيقُ وَ الْوَالِدُ الشَّقِيقُ وَ الْأَلْبَتُّ بِالْوَالِدِ الصَّغِيرِ وَ مَفْزَعُ الْعِبَادِ فِي الدَّاهِيَةِ النَّادِ»<sup>۷</sup>

(امام (ع)، مانند خورشید فروزان است که نورش عالم را فرامی‌گیرد و خودش در افق (اعلا) قرار دارد؛ به گونه‌ای که دست‌ها و دیدگان به آن نرسد. امام، ماه تابان و چراغ روشن و نور درخشان و ستاره راهنما در تاریکی‌های شدید، و راه‌گذرا از شهرها و کویرها و گرداب‌های دریاها است. امام، آب گوارای زمان تشنگی و راهنمای هدایت و نجات‌بخش از هلاکت است. امام، آتش روشن بر بلندی‌ها (برای هدایت گم‌شدگان) و گرما بخش برای هر کس که از آن گرما بخواهد، و راهنمای پرتگاه‌هایی است که هر که از او جدا شود، تباه می‌شود. امام، ابر باران‌زا و باران‌پر آب و خورشید تابان و آسمان سایه‌افکن و زمین گسترده و چشمه جوشان و

رودخانه و باغ خرم است. امام، همدمی همراه و پدری دلسوز و برادری هم‌نفس و مادری نیکوکار برای فرزند خردسالش و پناهگاه بندگان در بلاهای بزرگ است).

امام (ع)، نه تنها پدری دلسوز برای تمام بندگان خداوند است، بلکه بی‌تردید مهربان‌تر و مهرورزتر از مادری پرمهر و عطوفت نسبت به طفل خردسالش برای آن‌هاست. خداوند متعال، این وجود مقدس را از نور خود آفرید و برای علم خود برگزید و برای غیب خود پسندید و برای سر خود اختیار نمود: «اصْطَفَاكُمْ بَعْلَمِهِ وَ ارْتَضَاكُمْ لِغَيْبِهِ وَ اخْتَارَكُمْ لِسِرِّهِ»<sup>۷</sup>. همان‌گونه که خداوند متعال، امامان را برای سر و غیب خود برگزیده، برای هر امامی نیز از میان شیعیانش عده‌ای را شایسته این مقام کرده است که از اصحاب سر و خاصان و مقربان باشند؛ همان‌ها که در اثر توفیق الهی و تهذیب نفس، بیش از دیگران در طاعت و پیروی از امام خود موفق‌اند.

از این رو، امام کاظم (ع) می‌فرماید هر یک از امامان، حواریونی دارند که همواره در کنار امام خود بوده و بر عهد خود کاملاً وفادار مانده‌اند و آن‌ها اولین شیعیانی هستند که وارد بهشت می‌شوند و از مقربان درگاه الهی بوده و گوی سبقت را از بقیه شیعیان ربوده‌اند:

«إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ نَادَى مُنَادٍ أَيْنَ حَوَارِي مُحَمَّدَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ رَسُولِ اللَّهِ الَّذِينَ

لَمْ يَنْقُضُوا الْعَهْدَ وَ مَضَوْا عَلَيْهِ، فَيَقُومُ سَلْمَانُ وَ الْمِقْدَادُ وَ أَبُو ذَرِّ الْغِفَارِي، قَالَ ثُمَّ يَنَادِي أَيْنَ حَوَارِي عَلِي بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَصِي مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ رَسُولِ اللَّهِ فَيَقُومُ عَمْرُو بْنُ الْحَمِقِ الْخَزَاعِي وَ مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي بَكْرٍ وَ مَيْثَمُ بْنُ يُحْيَى التَّمَارُ مَوْلَى بَنِي أَسَدٍ وَ أُوَيْسُ الْقُرَنِي، قَالَ ثُمَّ يَنَادِي الْمُنَادِي أَيْنَ حَوَارِي الْحَسَنِ بْنِ عَلِي وَ ابْنِ فَاطِمَةَ بِنْتِ مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ، فَيَقُومُ سُفْيَانُ بْنُ أَبِي لَيْلَى الْهَمْدَانِي وَ حَذِيفَةُ بْنُ أَسِيدِ الْغِفَارِي، قَالَ ثُمَّ يَنَادِي أَيْنَ حَوَارِي الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِي، فَيَقُومُ كُلُّ مَنْ اسْتَشْهَدَ مَعَهُ وَ لَمْ يَتَخَلَّفْ عَنْهُ، قَالَ ثُمَّ يَنَادِي أَيْنَ حَوَارِي عَلِي بْنِ الْحُسَيْنِ فَيَقُومُ جَبْرِ بْنُ مُطْعِمٍ وَ يُحْيَى ابْنَ أُمِّ الطَّوِيلِ وَ أَبُو خَالِدِ الْكَابَلِي وَ سَعِيدُ بْنُ الْمُسَيْبِ، ثُمَّ يَنَادِي أَيْنَ حَوَارِي مُحَمَّدِ بْنِ عَلِي وَ حَوَارِي جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، فَيَقُومُ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ شَرِيكِ الْعَامِرِي وَ زُرَّارَةُ بْنُ أَعِينٍ وَ بَرِيدُ بْنُ مُعَاوِيَةَ الْعِجَلِي وَ مُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمِ الثَّقَفِي وَ لَيْثُ بْنُ الْبَخْتَرِي الْمُرَادِي وَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ أَبِي يَعْفُورٍ وَ عَامِرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَذَاعَةَ وَ حَجْرُ بْنُ زَائِدَةَ وَ حُمْرَانُ بْنُ أَعِينٍ، ثُمَّ يَنَادِي سَائِرُ الشَّيْعَةِ مَعَ سَائِرِ الْأَيُّومِ الْقِيَامَةِ فَهَؤُلَاءِ أَوْلُ الشَّيْعَةِ الَّذِينَ يَدْخُلُونَ الْفِرْدَوْسَ، وَ هَؤُلَاءِ أَوْلُ السَّابِقِينَ وَ أَوْلُ الْمُقَرَّبِينَ وَ أَوْلُ الْمُحَبُّورِينَ»<sup>۱۸</sup>

(امام کاظم (ع) می فرماید: در روز رستاخیز منادی ندا می دهد: حواریون رسول خدا (ص) کجایند؛ آنانی که پیمان خود را نشکستند و با همان پیمان از دنیا رفتند؟ سلمان، مقداد و ابوذر برمی خیزند. سپس منادی ندا می دهد: حواریون علی بن ابی طالب (ع) وصی محمد بن عبدالله، رسول خدا (ص) کجایند؟ عمرو بن حمق

خزاعی، محمد بن ابی بکر، میثم تمار و اویس قرنی از جای برمی خیزند. دوباره منادی ندا می دهد: حواریون حسن بن علی (ع) و پسر فاطمه دختر رسول خدا (ص) کجایند؟ سفیان بن ابی لیلی همدانی و حذیفه بن اسید غفاری برمی خیزند. سپس ندا می دهد: حواریون حسین بن علی (ع) کجایند؟ همه کسانی که همراه ایشان شهید شدند و از یاری ایشان جا نماندند، برمی خیزند. آن گاه منادی ندا می دهد: حواریون علی بن حسین (ع) کجایند؟ جبیر بن مطعم، یحیی بن ام طویل، ابو خالد کابلی و سعید بن مسیب برمی خیزند. سپس ندا داده می شود: حواریون محمد بن علی (ع) و جعفر بن محمد (ع) کجایند؟ عبدالله بن شریک عامری، زرارة بن أعین، برید بن معاویه عجلی، محمد بن مسلم، ابوبصیر، لیث بن بختری مرادی، عبدالله بن ابی یعفور، عامر بن عبدالله بن جذاعه، حجر بن زاید و حمران بن أعین برمی خیزند. سپس دیگر شیعیان را با ائمه دیگر ندا می دهند، و اینان اولین شیعیانی هستند که وارد بهشت می شوند. و اینان نخستین پیشگامان، نخستین مقربان و نخستین خلعت پوشان بهشت هستند).

آری؛ هر امامی، وسایل عظیم و گسترده ای در هدایت بندگان دارد که شناخت آن برای ما ممکن نیست، و اگر اهل بیت (ع) خود بر ما منت نمی نهادند و ابعادی از این نظام هدایتی را به ما معرفی نمی کردند، راهی برای شناخت این چراغ های

هدایت نداشتیم. اما به اجمال، از بیانات خود اهل بیت (ع) آگاه شده‌ایم که هر امام، اوتاد<sup>۱</sup> و ابواب و حواریون و نقبائی دارد که هر یک مأموریت و نقش ویژه‌ای در دستگاه هدایتی امام دارند؛ اگرچه ممکن است به کنه مقام و صفتی که نزد امام زمان خویش داشته‌اند، نزد مردم معروف نباشند.

اگر تمام عالم هستی را به خیمه‌ای تشبیه کنیم، امام هر عصر ستون آن خیمه و رکن اساسی نگه داشتن آن است، که نه‌تنها «بِیْمَنِهِ رُزْقَ الْوَرَى»<sup>۲</sup> (به یمن وجود او، همه مخلوقات روزی بگیرند)، بلکه «لَوْ بَقِيَتْ الْاَيُّوْمُ وَاَحِدًا بِلَا اِمَامٍ مِّنَّا لَسَاخَتْ الْاِبْاَهْلِيَهَا»<sup>۳</sup> (اگر زمین یک روز بدون امام بماند، اهلس را فرو می‌برد؛) و این خیمه، اوتادی<sup>۴</sup> دارد که خیمه را تثبیت می‌نمایند. اوتاد مانند میخ، زمین و اهل آن را محافظت می‌کنند. همان‌گونه که سلمان و ابوذر از اوتاد زمان خود بودند، در دیگر اعصار نیز اوتادی وجود داشتند که خواص و حواریون امامان زمان خود بودند. برای مثال، امام صادق (ع) در روایتی چهار نفر از اصحاب خاص خود را از اوتاد زمین و علم و پرچم‌های دین در زمان خود می‌شمارند:

«اَوْتَادُ الْاَبْاَعْلَامِ الدِّينِ اَرْبَعَةٌ: مُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمٍ وَبُرَيْدُ بْنُ مُعَاوِيَةَ وَ لَيْثُ بْنُ الْبَخْتَرِيِّ الْمُرَادِي وَ زُرَّارَةُ بْنُ اَعْيُن»<sup>۵</sup> (میخ‌های زمین و پرچم‌های دین، چهار نفرند: محمد بن مسلم، برید بن معاویه، لیث بن البختری مرادی و زرارة بن اعین).

ائمه اطهار (ع)، وجود این اوتاد و صلحا و بعضاً حتی اسامی آن‌ها را در برخی از روایات شریفه به ما معرفی کرده‌اند، تا الگویی نیکو برای طی کردن منازل مولی‌مداری و معرفت امام باشند، و با استمداد گرفتن از علوم و معارف آن‌ها، روز به روز خودمان را به ائمه اطهار (ع) نزدیک‌تر کنیم و در نتیجه، به مبدأ اعلی و خداوند متعال مقرب‌تر شویم.

این سنت الهی، در مورد امام حاضر حی و ولی عصر و عزیز دهر، حضرت مهدی (عج)، نیز همچون پدران بزرگوارش (ع) جاری است، بلکه در زمان غیبت که انسان‌ها از دسترسی ظاهری و عمومی به امام محروم هستند، ضرورت وجود چنین اعلام و اوتادی به مراتب آشکارتر می‌شود. آری؛ حضرت حجت (عج) نیز اولیا، حواریون، رجال، خواص و مقربانی - چه در غیبت صغری و چه در غیبت کبری - داشته است. این بزرگان، آن چنان مقام و منزلت والایی دارند که در دعای ام‌داود، امام صادق (ع) بر آن‌ها صلوات می‌فرستد:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْاَلِّ وَ الْاَدِّ وَ السِّيَاحِ وَ الْعِبَادِ وَ الْمُخْلِصِينَ وَ الزَّهَادِ وَ اَهْلِ الْجِدِّ وَ الْاِجْتِهَادِ»<sup>۶</sup> (خدایا! بر ابدال و اوتاد و روزه‌داران و عبادت‌کنندگان و مخلصان و پارسایان و اهل کوشش و تلاش درود فرست).

از جمله این اوتاد و مناره‌های هدایت، نواب اربعه هستند که در زمان غیبت صغری،

واسطه بین مردم و امام (عج) بودند؛ و در عظمت آن‌ها همین بس که در

زیارتنامه‌شان می‌خوانیم:

«يَا حُجَّةَ الْمَوْلَى وَبِكَ إِلَيْهِمْ تَوَجَّهِي وَبِهِمْ إِلَى اللَّهِ تَوَسَّلِي»<sup>۱۵</sup> (ای حجت مولا! به

وسیله تو به ائمه (ع) روی می‌آورم و به وسیله آن‌ها به خدا توسل می‌جویم).

این جمله، نشان می‌دهد که عظمت و جلالت نواب اربعه، چنان بلند مرتبه است

که نه تنها در زمان حیاتشان باب و واسطه امام زمان (عج) بودند، بلکه بعد از

مماتشان نیز به واسطه آن‌ها و جایگاه عظیم معنویشان به امام عصر (عج) تقرب

جسته می‌شود.

در عصر غیبت کبری نیز بزرگانی مثل سید بن طاوس در هر برهه‌ای بوده‌اند که

خداوند متعال به واسطه وفای آن‌ها به امام عصرشان - هرچند در غیبت ظاهری

بوده است - و عدم نقض عهد با حضرتش، مقامات عالیه و درجات سامیه‌ای به

آن‌ها موهبت نموده است. البته این مقام، نه تنها با عوارض و حوادثی مثل موت از

بین نمی‌رود، بلکه بعد از ممات ارتقا نیز می‌یابد، و این قاعده برای همه اولیاءالله

محفوظ است.

افزون بر مطالب فوق، در روایت شریف امام سجاد (ع) در هنگام شرح مراتب

معرفت، پس از معرفت توحید و امامت، معرفت ابواب و ارکان و نقبا و نجبا مطرح

می‌شود که این دلیلی بر ارزش شناخت اولیاءالله است. امام سجاد (ع) خطاب به

جابر جعفی می‌فرماید:

«یا جَابِرُ أَوْ تَدْرِي مَا الْمَعْرِفَةُ؟ الْمَعْرِفَةُ إِثْبَاتُ التَّوْحِيدِ أَوَّلًا، ثُمَّ مَعْرِفَةُ الْمَعَانِي ثَانِيًا، ثُمَّ مَعْرِفَةُ الْأَبِ ثَالِثًا، ثُمَّ مَعْرِفَةُ الْأُمِّ رَابِعًا، ثُمَّ مَعْرِفَةُ الْأَنْ خَامِسًا، ثُمَّ مَعْرِفَةُ النَّقَبَاءِ سَادِسًا، ثُمَّ مَعْرِفَةُ النَّجَبَاءِ سَابِعًا... أَمَا الْمَعَانِي فَتَحْنُ مَعَانِيهِ وَمَظَاهِرُهُ فَيَكُمُ اخْتِرَعْنَا مِنْ نُورِ ذَاتِهِ وَفَوْضَ إِلَيْنَا أُمُورَ عِبَادِهِ...»<sup>۱۶</sup> (ای جابر! آیا می دانی معرفت چیست؟ معرفت این است که ابتدا توحید را اثبات کنی، سپس معانی را بشناسی، آن گاه به ابواب معرفت دست پیدا کنی، سپس خلق را بشناسی، بعد به شناخت ارکان بپردازی، سپس نقباء و بعد نجباء را بشناسی... اما معانی، خود ماییم که معانی خداوند و مظاهر او در میان شما هستیم. خداوند، ما را از نور ذات خود خلق کرد و امور بندگانش را به ما واگذار نمود...).

همان گونه که گذشت، ویژگی اصلی حواریون ائمه اطهار (ع) در همه اعصار و قرون، عدم نقض عهد با امام زمانشان و رعایت کامل تقوای الهی است؛ همان شرطی که خدای متعال برای بندگان قرار داده است:

«أَوْفُوا بِعَهْدِي أَوْفٍ بِعَهْدِكُمْ وَإِيَّايَ فَارْهَبُونِ»<sup>۱۷</sup> (به پیمان خود با من وفا کنید، تا من هم به پیمان خود با شما وفا کنم و فقط از من بترسید).

درست است که چشم ما بر اثر گناهان از دیدن روی وجه الله، حضرت مهدی (عج)، محروم است و گوش ما به واسطه معاصی، از شنیدن طنین دلکش آن امام

همام (عج) بی نصیب است؛ اما خدا را شکر، و بسیار شکر، که بر ما منت نهاد و در این عصر ظلمانی غیبت، ما را به یکی از اولیای مقرب و امنای صالح خویش رهنمون گرداند.

عبد صالح الهی و مطیع محض امام عصر (عج)، حضرت آیت الله بهجت (قدس سره)، هرگز عهد خویش را با امام زمان (عج) نقض نکرد و به شهادت مقامات عالیه اش - که بر اهلش پوشیده نبود - و به اذعان علمای عظام ربّانی، از مقربان ساحت مقدس امام زمان (عج) و همچنین از فائزان به تشرّفات نفیسه بود. از این رو، مطالعه سیره عملی که این ولی صالح خدا در تعامل با مولایش حضرت حجت (عج) داشت و نحوه تحکیم و راسخ کردن این دلدادگی در طاعت امام عصر (عج)، اهمیت مضاعف می یابد و الگوی نیکو و راهنمای عملی برای مؤمنان خواهد بود. و از آنجا که بضاعت ما در شناخت ظاهری اولیای الهی و سیره شان - تا چه رسد به کنه باطنی و سیرشان - مزجات (ناچیز) است، ناگزیر فقط به مهم ترین مؤلفه های رفتاری این ولی خدا و ولی ولّیش (عج) اشاره می شود.

اصیل ترین جنبه زندگانی حضرت آیت الله بهجت (قدس سره)، امام محوری و مولی مداری عاشقانه و برخاسته از شوق و رغبت قلبی ایشان بود. بی تردید، سخن گفتن از شخصیت این فقیه عارف، بدون ذکر ظهور و بروز عشق و محبت وافر

ایشان به حضرت مهدی (عج)، سخنی ناقص و ابتر است. البته بدیهی است که دلدادگی تام ایشان به این امام عزیز (عج)، مستلزم بلوغ آن مقامات عالیه و کمالات راقیه بوده، و هر کسی این گونه تمام و کمال دل به ولی خدا بدهد، مستحق چنین مواهب و موآندی می شود؛ چرا که مواهب الهی مختص کسانی است که توحید حقیقی را از طریقی طلب می کنند که خود ذات مقدس احدیت تعیین و تبیین کرده است و به حکم «مَنْ أَرَادَ اللَّهُ بِدَأْ بِكُمْ وَمَنْ وَحَدَهُ قَبْلَ عَنكُمْ وَمَنْ قَصَدَهُ تَوَجَّهَ بِكُمْ»<sup>۱۸</sup> (هر که خدا را خواست، با شما آغاز نمود و هر که به وحدانیت خدا اذعان کرد، از شما پذیرفت و هر که قصد او نمود، به شما توجه کرد)، راه رسیدن به توحید، تنها از طریق معصومین (ع) میسر است.

مگر سلمان فارسی که از ده درجه ایمان، تمام مراتب دهگانه آن را پیمود<sup>۱۹</sup> و به منزلت «سَلْمَانَ مِّنْ أَهْلِ الْبَيْتِ»<sup>۲۰</sup> رسید و سلمان محمدی<sup>۲۱</sup> نام گرفت، جز از طریق امام محوری عاشقانه نسبت به امام زمان خویش، حضرت امیرالمؤمنین (ع) به این مقامات و درجات دست یافت؟ و آیا حبیب بن مظاهر که حبیب خداوند متعال است،<sup>۲۲</sup> راهی به جز طاعت و شیدایی امام زمانش حضرت سیدالشهدا (ع) پیمود؟ و آیا آیت الله بهجت (قدس سره) از راهی جز «عبد» بودن برای امام زمانش حضرت مهدی (عج)، بهجت حجت شد؟ همو که قلب سلیمش، جزیره خضرا و محل

تجلی حضرت حجت (عج) بود.

از این رو، در این گلستان به اختصار به برخی از ابعاد عملی مولی مداری این اسوه نیکوی زمان پرداخته می شود؛ هرچند کنه آن پوشیده است و امکان درک عمیق آن نیست؛ مگر برای برخی از خواص که خود به طی این مقامات توفیق یافته و این گونه اند:

«أَعَزَّ مِنَ الْكِبْرِيَةِ الْأُ»<sup>۲۳</sup> (آن ها از گوگرد سرخ که بسیار کمیاب است، نادرترند).

### پیوند و دوستی با حضرت مهدی (عج)

از مهم‌ترین نعمت‌هایی که خداوند به مردمان این عصر موهبت نموده، هم عصری با خاتم‌الأوصیاء، حضرت مهدی (عج) است که امتیازات ویژه‌ای را برای آن‌ها به ارمغان آورده است. و لذا مهم‌ترین موضوعی که انسان مؤمن در این زمانه باید پیگیری کند ایجاد پیوند قلبی با آن حضرت (عج) است. آری هر مؤمن مشتاقی با تمام وجود خواهان ارتباط با امام عصر (عج) است، چون او چشمه جوشان زندگی است و انسان‌ها بدون ارتباط با او، همانند مردگان و بدن‌های بی‌جان هستند؛ و جای بسی شگفتی است که انسان‌ها می‌خواهند عطش و تشنگی خود را به وسیله غیر آب رفع کنند!

حضرت آیت‌الله بهجت (قدس سره) تأکید فراوانی بر لزوم ارتباط با امام زمان (عج) داشت و خود، تمام اعمال خویش را با رضای حضرت تطبیق می‌داد و تمام حرکات و سکنات و برنامه‌های روزانه‌اش در جهت جلب رضای حضرت (عج) بود. ارتباط با حضرت مهدی (عج) یعنی تقرب جستن به ایشان به واسطه اعمالی که مورد رضا و موجب سرور حضرت (عج) است.

در مورد نحوه ایجاد ارتباط و تقویت آن با حضرت (عج)، سؤالات زیادی از محضر آیت‌الله بهجت (قدس سره) پرسیده می‌شد و ایشان در این باره توصیه‌هایی را

می‌فرمودند، که انجام آن عموم بیان میسر بود و ایشان عملی را مورد تأکید و ترغیب قرار می‌دادند که بیشتر موجب تقرب به حضرت باشد و خود اهل بیت (ع) و حضرت حجت (عج) نیز بیشتر بر آن‌ها تأکید نموده باشند. از خصوصیات بارز حضرت آیت‌الله بهجت (قدس سره) این بود که در جمیع کلیات و جزئیات ملازم واقعی و عملی ثقلین بودند. به‌طوری‌که پاسخ ایشان در هر مسأله‌ای منطبق (برگرفته) با آیات و روایات اهل بیت (ع) بود. برای مثال، ایشان در مسأله ارتباط با حضرت بر این عبارت شریف که از امام عصر (عج) صادر شده است، زیاد تأکید می‌کرد:

«أَكثِرُوا الدَّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ فَإِنَّ ذَلِكَ قَرَجُكُمْ»<sup>۲۲</sup> (برای تعجیل فرج بسیار دعا کنید که فرج و گشایش شما در آن است).

این جمله را شاید همه شنیده و به اعتنا از کنار آن گذشته باشند، اما ایشان با توجه به این فرمایشات، آن را محور عملی رفتار خود قرار می‌داد و با تمام وجود به آن عمل می‌کرد. برای همین است که ایشان مراتب ترقی را خیلی زود طی نمود. برای رسیدن به امام زمان (عج) و خدا، هیچ راهی نزدیک‌تر از راهی نیست که خود اهل بیت (ع) ترسیم نموده‌اند؛ هر چند به‌ظاهر ساده پنداشته شود.

آیت‌الله بهجت گاهی کارهای بسیار ساده‌ای انجام می‌داد که علت آن معلوم نبود، اما بعدها در گوشه‌ای از کتب فقهی و روایی دلیلی بر استحباب آن کار پیدا می‌شد. ایشان در تک‌تک اعمال انطباق با اراده و رضای امام زمان (عج) را ملاک قرار می‌داد. این در حالی است که برخی از افراد، وصول به این مقامات را با ریاضت‌های خاص و سخت جست‌وجو می‌کنند.

تقویت این پیوند، بر اساس آیات و روایت دارای دو جنبه اعتقادی و عملی است.  
الف: بُعد اعتقادی

حضرت آیت‌الله بهجت (قدس سره) همواره تأکید داشت که اولین قدم برای ارتباط با امام عصر (عج) تحصیل معرفت نسبت به آن حضرت و تقویت لحظه به لحظه این معرفت است. انسان در نخستین گام، باید امام زمان خویش را بشناسد. البته معرفت امام، مراتب و درجات گوناگونی دارد. درجات اولیه این شناخت، دامان انسان را از مرگ جاهلی پاک می‌کند<sup>۲۵</sup> و درجات بالاتر آن، اکسیری است که لقمان را زیننده صفت حکمت می‌سازد،<sup>۲۶</sup> بلکه سلمان را برتر از لقمان می‌کند؛<sup>۲۷</sup> آن هم لقمانی که خلافت الهی بر او عرضه شد.<sup>۲۸</sup>

خدای متعال درخواست هدایت یافتن به امام زمان (ع) را با گفتن عبارت «إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» روزانه ده بار بر بندگان واجب کرده است.<sup>۲۹</sup> صراط معرفت امام،

تنها راهی است که انسان را به معرفت و عبودیت خدای عزوجل می‌رساند.<sup>۳۰</sup>

#### ۱. مراتب معرفت

چنان که گذشت معرفت به امام عصر (عج) دارای مراتب متعددی است. در این بخش به‌طور مختصر اشاره‌ای به این مراتب می‌شود.

#### • اعتقاد به وجوب اطاعت از امام

کمترین میزان معرفت امام (ع) که بر هر انسانی واجب است، اعتقاد به مفترض الطاعة بودن آن حضرت است. حضرت آیت‌الله بهجت (قدس سره) در این باره می‌فرماید:

«درباره [صدق حداقل مراتب] معرفت و اعتقاد به امام (ع) أَذْنَى الْمَعْرِفَةِ کافی است. و آن، این است که فقط معتقد باشیم که او امام مُفْتَرَضُ الطَّاعَةِ و وصی پیغمبر (ص) است، ولو اسم او \_ و این که مثلاً او همان کسی است که با معاویه و یا با مروان و طلحه جنگید \_ را ندانیم. همچنین دانستن ترتیب آن‌ها و این که امام چندم است، لازم نیست.<sup>۳۱</sup> خدا کند آنچه را که از ما می‌خواهند، انجام دهیم، و آنچه را که می‌خواهند انجام ندهیم، انجام ندهیم!»

البته این مرتبه از معرفت که ذکر شد، پایین‌ترین درجه واجب و لازم در معرفت امام



(ع) است، که امکان تحقق آن برای هر شخص غیر مستضعفی در هر جای عالم و به هر زبان و لغتی وجود دارد، و هیچ عذری برای کسی در دست نیافتن به این مرتبه از شناخت، باقی نمی‌گذارد.

معرفت امام (ع) حد اعلایی نیز دارد، که وقتی از حضرت آیت‌الله بهجت (قدس سره) در این باره سؤال شد، ایشان با زیرکی تمام فرمود:

«باید از سلمان و امثال سلمان پرسید!»

البته در میان این دو مرتبه، مراتب فراوانی هست که هر کس به قدر همت و ظرفیت خویش، به آن‌ها خواهد رسید.

اعتقاد به مفترض الطاعة بودن امام، بدین معنی است که خداوند سبحان از روی شفقت و عطوفت به بندگان، اطاعت از امام (ع) را در تمام امور بر آن‌ها واجب کرده و اطاعت از ایشان، اطاعت از خداوند متعال است؛ چرا که خداوند آن‌ها را از هر خطا و گناهی مصون و معصوم و مطهر داشته است. بنابراین، تمام اوامر و نواهی ایشان، مطابق مصالح و مفاسد و منافع و مضار بندگان است و از رضایت و حکمت الهی فاصله نمی‌گیرد. البته این اطاعت و انقیاد، زمانی شیرین و دلنشین می‌شود که انسان یقین داشته باشد بالاترین مصلحت و نفعش در دل سپردن به امر امام معصوم (ع) خواهد بود؛ همان که پدری دلسوز و رفیقی شفیق برای انسان است.

### ● اعتقاد به عصمت امام

چنان‌که بیان شد پشتوانه و جوب اطاعت از امام (عج) عصمت اوست. از این رو، اعتقاد راسخ به عصمت امام (ع) از جمله ارکان اصیل ایمان حقیقی است. امام (ع) هم از خطیئه معصوم و مصون است و هم از خطا. خطیئه به معنای معصیت و گناه است، اما خطا شامل هر گونه اشتباه کلی و جزئی ولو غیر عامدانه می‌شود. عصمت از خطیئه برای بندگان آنی که همیشه از نفس خویش مراقبت می‌کنند امکان پذیر است، اما عصمت از خطا جز برای امامان میسر نیست. حضرت آیت‌الله بهجت (قدس سره) درباره عصمت از گناه می‌فرماید:

«الْعِصْمَةُ شَرْطُ الْمَنْصَبِ فِي الْأَمْرِ وَالْأَوْصِيَاءِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ فِيهِمْ وَاجِبَةٌ فِيهِمْ لِأَنَّهَا مُمْتَنِعَةٌ فِي غَيْرِهِمْ» (عصمت، شرط منصب انبیا و اوصیا (ع) است، پس در مورد آن‌ها لازم است که دارای صفت عصمت باشند، نه این‌که در مورد غیر آن‌ها، محال است که این صفت تحقق یابد).

درست است که «عصمت از خطیئه»، برای منصب نبوت و وصایت واجب است، اما این بدان معنی نیست که مختص به آن منصب باشد؛ چرا که در این صورت فلسفه تکلیف به ترک معصیت خدشه‌دار می‌شود. بنابراین، عصمت از خطیئه برای غیر معصوم نیز ممکن است؛ چنان‌که برخی از بزرگان بوده‌اند که توفیق ترک خطیئه و

گناه داشته و عالماً و عامداً معصیت خداوند متعال را نکرده‌اند. اما عصمت از خطا و اشتباه، منحصر به مقام شامخ معصومین (ع) است و غیر معصومین حتی اگر حائز مقام عصمت از خطیئه باشند، از خطا و اشتباه مصونیت ندارند. آیت‌الله بهجت (قدس سره) در این باره می‌فرماید:

«معصوم (ع) اهل خطا و خطیئه نیست، ولی غیر معصوم هر چند از علمای بزرگ و جلیل‌القدر باشد، خالی از خطا نیست.»

با آگاهی از این مطلب که امام (ع)، مصون از هر گونه گناه و اشتباه است و تمام افعال و اقوال و اوامرش عین صواب و مصلحت و حکمت است، انسان با اشتیاق قلبی و اراده باطنی و با تمام وجود، دل به خواست او می‌دهد؛ چرا که می‌داند نه تنها نجات اخروی، بلکه حتی اقبال دنیوی‌اش در پرتو دل دادن به امر امام (ع) است.

و چه زیباست این گونه دل سپردن به امام (ع)؛ همچنان که «عبداللّه بن ابی‌یعفور» به امام زمان خود، امام صادق (ع) عرض کرد:

«وَاللّٰهُ لَوْ قُلِّتَ رُمَانَةً بِنِصْفَيْنِ، فَقُلِّتَ هَذَا حَرَامٌ وَ هَذَا حَلَالٌ، لَشَهِدْتُ أَنَّ الَّذِي قُلِّتَ حَلَالَ حَلَالٌ وَ أَنَّ الَّذِي قُلِّتَ حَرَامٌ حَرَامٌ» (سوگند به خدا! اگر اناری را از وسط دو

نیم کنی و بفرمایی که نصف آن حلال و نصف دیگرش حرام است، مطمئناً گواهی خواهم داد که نیمی را حلال شمردی، حلال است و نیمه دیگر را که حرام شمردی، حرام است [و هیچ‌گونه چون و چرا نخواهم کرد]).<sup>۲۲</sup>

#### ● یقین به عنایات امام

از جمله مراتب معرفت به امام، این است که یقین داشته باشد در زمان غیبت، عنایات و افاضات حضرت صاحب‌الزمان (عج) دائماً شامل حال انسان‌ها می‌شود؛ همچون خورشید پشت ابر که اهل زمین را بهره‌مند می‌کند.<sup>۲۳</sup> مرتبه پایین این افاضات برای هر انسانی، این است که اگر زمین یک روز بدون امامی از اهل بیت (ع) بماند، اهلش را در خود فرو می‌برد<sup>۲۴</sup> اما مراتب بالاتر آن، اختصاص به اهل ایمان دارد و تشرفات متعددی که در طول تاریخ غیبت نقل شده، گواه آن است. آیت‌الله بهجت (قدس سره) تأکید فراوان داشت که با وجود محدودیت‌های ایام غیبت و عدم بروز ظاهری و عمومی در جامعه، عنایات آن حضرت به آنچه بیان شد، محدود نمی‌شود و حضرت حجت (عج) در هر ساعت از شبانه روز، مشکلات مؤمنان را در سراسر عالم رسیدگی و حوایج آن‌ها را بر طرف می‌کند و از استغاثه‌کنندگان دستگیری می‌نماید. معظم‌له همواره این نعمت‌ها را یادآوری می‌نمود و اهل ایمان را به استفاده از آن ترغیب می‌کرد. ایشان می‌فرمود:

و عاشقانه مترصد لقاء آن عزیز غایب هستند، به عنایاتی به مراتب بالاتر و جلی تر همچون زیارت ایشان در رؤیای صادق یا تشرّف به محضر مبارک آن حضرت (عج) در بیداری مستفیض می شوند.

#### • حاضر و ناظر دیدن امام

مراتب اعتقاد و معرفت به امام (عج) که تا اینجا ذکر شد گام های نخستین است که بدون طی کردن آن رسیدن به کمالات بالاتر ممکن نیست، اما باید دانست که گام های معرفت به امام (عج) بسیار فراتر از آن چیزی است که ذکر شد. گام بعدی این است که انسان به حاضر و ناظر بودن امام عصر (عج) یقین داشته باشد.

«چقدر حضرت (عج) مهربان است به کسانی که اسمش را می برند و صدایش می زنند و از او استغاثه می کنند. از پدر و مادر هم به آن ها مهربان تر است!»

همچنین می فرمود:

«آیا حضرت صاحب (عج) که از دست دشمن ها در پشت پرده غیبت است، از دوستانش هم غافل است که هر چه بر سرشان آمد، آمد؟ ... خدا می داند آن حضرت (عج) تا به حال چه کرده و چه می کند!»

علاوه بر آنچه بیان شد، ایشان گاهی با لبخندی پرمعنا می فرمود:

«بعضی وقت ها انسان می بیند یک حال خوشی دارد؛ حالت نورانی دارد! نمی داند علتش چیست. هر چه فکر می کند، هیچ علتی پیدا نمی کند. نه کار خاصی کرده، نه نماز خاصی خوانده؛ هیچ کاری نکرده است! نمی داند در کوچه ای، جایی، رد می شده و فقط به نحو گذرا حضرت (عج) از کنارش رد شده است. این نورانیت و حال خوش، به همین جهت در این شخص ایجاد شده است.»

سپس فرمودند:

«آخر می شود انسان از کنار کوه ایمان رد شود و در او تأثیر نگذارد؟!»

آنچه گفته شد، حداقل مراتب عنایت ایشان به محبّانی است که هنوز اهلّیت لقاء را در خود ایجاد نکرده اند. اما صالحانی که به تهذیب و اصلاح نفس همت گمارده اند

یکی از اساسی‌ترین و بارزترین ویژگی‌های آیت‌الله بهجت (قدس سره) که ریشه سایر صفات و ملکات و رفتارهای ایشان بود، این بود که در همه حالات و لحظات، امام عصر (عج) را حاضر و ناظر می‌دید و فعل و ترک خود را با رضای ایشان تنظیم می‌کرد. ایشان نه تنها خود را در محضر حضرت حجت (عج) می‌دید، بلکه واقعاً در محضر ایشان بود؛ و البته کسی که از سنین کودکی و قبل از بلوغ خود را در محضر حضرت (عج) دیده و معصیت را با اختیار ترک کرده، شایسته است که در محضر حضرت (عج) بودن برای او از مرتبه علم حصولی به مرتبه علم حضوری رسیده باشد.

بدیهی است کسی که خود را در محضر امام زمان (عج) ببیند، نمی‌تواند برخلاف رضای ایشان عمل کند و دیگر نیاز به هیچ وعظ و نصیحتی ندارد، و این احساس حضور، بالاترین واعظ و هادی اوست. از این رو، مهم‌ترین مراقبه نفسانی که مؤمن باید انجام دهد، همین است که این احساس حضور را دائماً به خود یادآوری کند، تا آنجا که ملکه او شود؛ یعنی از یک اعتقاد محض فراتر رود و تبدیل به یک صفت راسخ در تمام شئون نفس گردد.

هنگامی که عبد به این مرتبه از عبودیت رسید، سزاوارتر است که مولایش از او دستگیری کند و حجاب‌ها را از جلوی چشمانش بردارد و او را در جایگاه صدق در

جوار خود قرار دهد.<sup>۲۵</sup> بنابراین، بر تمام مؤمنان لازم است که امام زمان (عج) و اهل بیت (ع) را که چشم بینای خدا و گوش شنوای او هستند، حاضر و ناظر بر اعمال خود ببینند؛ چنان که در روایت زیر به شیعیان دستور داده شده است:

«لَئِنْ تَرَوْنَ أَنَّهُ لَيْسَ لَنَا مَعَكُمْ أَعْيُنٌ نَاطِرَةٌ أَوْ أَسْمَاعٌ سَامِعَةٌ لَيْسَ مَا رَأَيْتُمْ وَاللَّهِ لَا يَخْفَى عَلَيْنَا شَيْءٌ مِنْ أَعْمَالِكُمْ فَاحْضَرُونَا جَمِيلاً وَ عَوَدُوا أَنْفُسَكُمْ الْخَيْرَ وَ كُونُوا مِنْ أَهْلِهِ تَعْرِفُونَ بِهِ فَإِنِّي بِهِذَا أَمْرٍ وُلِدِي وَ شِيعَتِي»<sup>۲۶</sup> (اگر گمان می‌کنید که برای ما چشمانی نظاره‌گر و گوش‌هایی شنوا همراه شما نیست، چه بد گمانی دارید. به خدا قسم! هیچ چیزی از اعمال شما بر ما مخفی نمی‌شود؛ پس ما را به نیکی حاضر بدانید و خود را بر کار خیر عادت دهید و از اهل خیر باشید، تا به آن شناخته شوید. همانا من فرزندانم و شیعیانم را به این کارها دستور می‌دهم).

بر همین اساس، حضرت آیت‌الله بهجت (قدس سره) با تمام وجود و بر اساس آنچه خود به آن رسیده بود، می‌فرمود:

«[آن حضرت (عج)] الْمَحْجُوبِ عَنِ أَعْيُنِ الظَّالِمِينَ (مخفی از چشم‌های ظالمان) است، [اما] کسانی که نه ظالم‌اند، و نه رفیق ظالم هستند، و نه با ظالمان معاشرند، و نه در خانه و نه در محله ظالمان هستند، این‌ها اصلاً از وجود شریفش محجوب نیستند!»

آری؛ حضرت از چشمان ستمگران محجوب و غایب است، اما این غیبت تنها از چشمان آن‌ها است، و گرنه امام بر همه اعمال و حتی نیات آن‌ها اشراف کامل دارد. اما این ارتباط نسبت به اهل ایمان دو سویه است؛ یعنی نه تنها حضرت (عج)، به اذن الهی، بر اعمال و نیاتشان مطلع است و به آن‌ها نظر خاص دارد، ضمن اینکه آن‌ها نیز معتقد و متوجه به این حضور هستند و همواره خود را در محضر امام خویش می‌بینند.

آیت‌الله بهجت (قدس سره)، نه تنها خود را در محضر حضرت (عج) می‌دید، بلکه به مناسبت‌های مختلف، دیگران را نیز متوجه این مطلب می‌نمود. روزی یکی از وعاظ بالای منبر مشغول وعظ و خطابه بود، و در بخشی از صحبت خود با حال شکسته و رقت قلب گفت: «ای کاش می‌شد بدانیم که حضرت حجت (عج) کجا تشریف دارند!» و سپس گریست. بعد از این که ایشان از منبر پایین آمد، آیت‌الله بهجت (قدس سره) فرمود:

«یعنی می‌دانی حضرت (عج) کجا تشریف ندارند؟!»

ایشان همواره متذکر می‌شد امام «عَيْنُ اللَّهِ النَّاطِرَةُ وَأُذُنُهُ الْوَاعِيَةُ»<sup>۲۷</sup> (چشم بینای خدا و گوش شنوای الهی) است بطوریکه این حرف‌هایی را که ما با هم می‌زنیم، این کلام تا از دهان من به گوش شما برسد، لحظاتی زمان می‌برد، اما قبل از رسیدن به

گوش شما، به گوش حضرت (عج) می‌رسد و ایشان آن را می‌شنود. همچنین وقتی شما حرفی می‌زنید، قبل از این که به گوش شنونده برسد، حضرت آن را می‌شنود، بلکه قبل از این که از دهان گوینده به دو گوش خود گوینده برسد، حضرت (عج) آن را می‌داند و زودتر می‌شنود.

همچنین می‌فرمود:

«چقدر فرق است بین کسی که او را عَيْنُ اللَّهِ النَّاطِرَةُ (چشم بینای خدا)، و این

مجلس ما را در محضر او می‌داند، و یقین دارد که حدود و اندازه همه کلمات و...

نزد آن حضرت (عج) از واضحات است، و کسی که چنین فکر نمی‌کند!»

«امام زمان (عج)، عَيْنُ اللَّهِ النَّاطِرَةُ وَأُذُنُهُ السَّامِعَةُ وَ لِسَانُهُ النَّاطِقُ فِي خَلْقِهِ وَ يَدُهُ

الْمَبْسُوطَةُ (چشم بینا، گوش شنوا، زبان گویا و دست گشاده خداوند) است و از

اقوال، افعال، افکار و نیات ما اطلاع دارد؛ مع ذلك گویا ما ائمه (ع) و به خصوص امام

زمان (عج) را حاضر و ناظر نمی‌دانیم، بلکه گویا \_ مانند عامه \_ اصلاً زنده نمی‌دانیم

و به کلی از آن حضرت (عج) غافل هستیم!»

ایشان بسیار گوشزد می‌کرد که اساساً مخفی کردن اعمال خود از حضرت (عج)،

امکان‌پذیر نیست، و می‌فرمود:

«اگر مثلاً پرده‌ای هم دور عمل خود بکشیم، فایده ندارد و دید امام (ع) نافذتر است و در برابر چشمان واقع بین او مانع و حائل ایجاد نمی‌کند. همچنین در رؤیت امام (ع) مقابله و محاذات (رویاری) شرط نیست، بلکه هر جا که نشسته، بر آرضین سفلی و سماوات سبع و ما فیهنّ و ما بینهنّ (زمین‌های پایین‌تر و آسمان‌های هفتگانه و آنچه درون آن‌ها و میان آن‌هاست) اشراف دارد.»

بر همین اساس، ایشان هشدار می‌داد:

«آیا نباید توجه داشته باشیم که ما رئیسی داریم که بر احوال ما ناظر است؟! وای بر حال ما! اگر در کارهایمان او را ناظر نینیم، و یا او را در همه جا ناظر ندانیم!»

همچنین در پاسخ به شخصی که درباره سفر حج از ایشان رهنمود و توصیه‌ای درخواست کرده بود، فرمود:

«راهنمایی از امام زمان (ع) بخواهید. او حاضر است؛ به گونه‌ای که گویا در حضور ایشان هستید.»

حاضر و ناظر دیدن حضرت (عج) در همه زمان‌ها و مکان‌ها و عمل نمودن متناسب با آن حضور، از واضحات و مسلمات در سلوک ایشان بود. و همین مواظبت عملی بر این عقیده - که برگرفته از مسلمات معارف عقلی و نقلی است - ایشان را به آن

مراتب عالی رساند. و یکی از مهم‌ترین توصیه‌های معظم‌له برای تشرّف به محضر قدسی امام عصر (عج)، مراقبت و مواظبت بر این احساس حضور و آماده دیدار بودن است.<sup>۲۸</sup>

۲. تسلیم، ثمره معرفت

آنگاه که معرفت به امام (عج) و مقام او در دل مؤمن راسخ و مستحکم شود عشقی عمیق از آن پدید می‌آید که با تمام وجود تسلیم امر امام می‌شود. مؤمن واقعی، آن چنان دل سپرده و سرسپرده امام خویش است که حتی اگر امام معصوم (ع) امری کند که در ظاهر کاملاً خلاف مصلحت بنماید، با یقین و آرامش قلبی و با رغبت، به امثال امر ایشان دل و جان می‌دهد و چون و چرا نمی‌کند، زیرا ایمان دارد که امام (ع) او را به بهترین و حکیمانه‌ترین عمل فرا خوانده است. نمونه چنین اطاعت عاشقانه‌ای را می‌توان در «هارون مکی» یافت.

روزی یکی از یاران خراسانی امام صادق (ع) به نام «سهل بن حسن» خراسانی خدمت ایشان رسید، سلام کرد و نشست. سپس عرض کرد: یا بن رسول الله! شما رؤف و مهربان هستید، چرا از حق خود دفاع نمی کنید؟ چه چیزی مانع این امر است؟ در صورتی که بیش از صد هزار شیعه شمشیرزن دارید!

حضرت (ع) ابتدا به او فرمود: ای مرد خراسانی! بنشین. سپس امر کرد که تنور را روشن کنند. وقتی تنور برافروخته شد، حضرت (ع) رو به مرد خراسانی فرمود: بلند شو و داخل تنور شو! مرد خراسانی که ترسیده بود، عرض کرد: یا بن رسول الله! مرا با آتش نسوزان! از من درگذر! ... حضرت (ع) فرمود: تو را بخشیدم!

در این هنگام، یکی از اصحاب امام صادق (ع) به نام «هارون مکی» وارد شد؛ در حالی که کفش خود را با انگشت گرفته بود، خدمت آن حضرت رسید و سلام کرد. امام (ع) جواب سلام او را داد و فرمود: نعلین را از دست خود بینداز و برو داخل تنور! هارون مکی، نعلین را انداخت و داخل تنور شد.

حضرت (ع) شروع به صحبت با مرد خراسانی درباره خراسان کرد؛ چنان که گویی خود شاهد و حاضر در آنجا است. سپس به او فرمود: ای خراسانی! برو و داخل تنور را نگاه کن! او به سوی تنور رفت و دید هارون مکی چهارزانو در تنور نشسته است.

امام (ع) از مرد خراسانی پرسید: از این گونه (یاوران) در خراسان چند نفر پیدا می شود؟ مرد خراسانی عرض کرد: به خدا قسم! یک نفر هم نیست! امام (ع) فرمود: ما در زمانی که پنج نفر یاور این چنینی نداشته باشیم، قیام نخواهیم کرد. ما خودمان وقت مناسب را بهتر می دانیم! <sup>۲۵</sup>

آری؛ مؤمن واقعی، حتی اگر امام (ع) به او دستور دهد که وارد آتش شو، با آرامش قلبی به دستور ایشان عمل می کند؛ چرا که می داند به محض ورود، آتش برای او گلستان می شود. اصحاب خاص حضرت سیدالشهدا (ع) این گونه بودند. آن ها گرچه به ظاهر مجروح می شدند و آسیب می دیدند، اما در روایت است که اصلاً درد شمشیرها را نمی چشیدند و عاشقانه در راه معشوق دلربای خود و امام زمانشان جان می دادند. <sup>۲۶</sup> این در حالی است که امام (ع) امر خویش را از آن ها برداشته بود و همچون «هارون مکی» از سوی امام زمان خود، به این عمل امر نشده بودند، اما ایمان آن ها به قدری راسخ و مستحکم شده بود که خود به سوی اراده امام زمان خویش می شتافتند.

حضرت آیت الله بهجت (قدس سره) نیز نسبت به امام زمان (عج) چنین پیوند عاشقانه و عارفانه ای داشت و در تمام جزئیات و کلیات و در هر لحظه از زندگی، اعمال خود را، از روی عشق و شوق و رغبت، با رضایت و خواست حضرت حجت

(عج) منطبق می نمود؛ و همواره تأکید می کرد که در انجام هر کار یا ترک آن، باید ابتدا آن را با رضای حضرت (عج) منطبق نمایم. ایشان می فرمود:

«چقدر سخت است، اگر برای ما این امر ملکه نشود که در هر کاری که می خواهیم اقدام کنیم و انجام دهیم، ابتدا رضایت و عدم رضایت او (عج) را در نظر بگیریم و رضایت و خشنودی او را جلب نمایم!»

ب: بعد عملی

از بحث های قبلی دریافتیم که گام نخست در رابطه با امام (ع)، بعد اعتقادی و شناخت و معرفت به مقام و منزلت و جایگاه ایشان است. پس از آن که امام (ع) را با وصف عصمت و مفترض الطّاعه بودن شناختیم، گام بعدی در این مسیر، عمل به خواست و دستورات ایشان است، تا بتوانیم از صمیم قلب و عاشقانه به آن حضرت تقرب جویم.

حضرت آیت الله بهجت (قدس سره) می فرمودند:

در هر واقعه و در هر حرکت و سکون، مشکل اصلی، تشخیص تکلیف است و بعد مشکل تر از آن، عمل به آن تکلیف.

۱. ترک گناهان و عمل به واجبات

در روش تربیتی آیت الله بهجت (قدس سره) مهم ترین وظیفه مؤمن، توبه از گناهان و التزام به ترک محرمات و انجام واجبات شرعی است که خود منجی و هادی فرد به سوی سائر وظایف می باشد. ایشان می فرمودند: همه چیز به این مطلب نیازمند است، اما این مطلب به چیزی نیاز ندارد. برای مثال، کسی که زمامداری یک مسئولیت اجتماعی را بر عهده بگیرد، در حالی که خود اصلاح نفس نکرده است، و یا فردی که به زبان دائماً برای تعجیل فرج دعا می کند، در حالی که با انجام محرمات و ترک واجبات، عملاً باعث تأخیر در فرج می شود؛ چنین اشخاصی نه تنها به حضرت (عج) و رضای او نمی رسند، بلکه در حال دورتر شدن از این مطلوب هستند. همچنین ایشان توبه از گناهان را از مهم ترین اسباب آماده شدن هر شخص برای ظهور می دانست. و صد البته مهم ترین این واجبات شرعی، اعتقاد به جمیع معتقدات حقّه است که بدون آن، سایر اعمال و وظایف نیز بی ارزش خواهد بود. معظم له به ترک معصیت در اعتقادات و اعمال بسیار تأکید داشت.

● راه شناخت وظایف دینی

سؤالی که در اینجا پدید می آید، این است که: چگونه وظیفه خود را بشناسیم و اوامر امام زمان (عج) را تشخیص دهیم؟ این سؤال، در عصر غیبت پررنگ تر و جدی تر می شود، چون در زمانی که دسترسی ظاهری به امام زمان خویش نداریم،



چگونه می‌توانیم وظیفه خود را در مقابل خواست ایشان بشناسیم؟

پاسخ آیت‌الله بهجت به این سؤال، عمل به دفتر شرع و دفتر امام زمان (عج) بود؛ دفتری که در آن دستورات و اوامر حضرت ذکر شده است؛ یعنی رساله عملیه صحیحیه و انجام واجبات و ترک محرمات. ایشان بسیار تأکید می‌کرد که انسان رساله عملیه صحیحیه را بگیرد، مطالعه کند و طبق آن عمل نماید. این گونه، او به حضرت حجت (عج) نزدیک می‌شود و رضای ایشان را تحصیل می‌کند. ایشان می‌فرمودند:

«در زمان غیبت، ما باید به همین رساله‌های عملیه صحیحیه عمل کنیم. حضرت (عج) به عمل به همین از ما راضی است.»

آری؛ رضای حضرت (عج) در شناخت حلال و حرام خدا و انجام واجبات و ترک محرمات است. اگر کسی واقعاً کسب رضای امام زمان (عج) را مد نظر داشته باشد، به همین مقدار می‌تواند بالاترین درجات رضایت ایشان را به دست آورد. کسی که همین اوامر واضح و مسلم حضرت (عج) را امتثال نمی‌کند، نمی‌تواند ادعا نماید که طالب اوامر و دستورالعمل‌های خاص و یار تنوری شدن است، بلکه آشکار می‌شود که ادعایی واهی دارد و هر چند ظاهراً می‌خواهد، اما واقعاً نمی‌خواهد!

شیوه آیت‌الله بهجت (قدس سره) این بود که پس از معرفت به امام زمان (عج) و اعتقاد قلبی به ایشان، باید نسبت به شناخت دستورات و اوامر حضرت مبادرت کرد. به همین منظور از همان کودکی و سال‌ها پیش از بلوغ شرعی به شناخت احکام دینی مبادرت نمود و پای در مسیر فقاقت و اجتهاد نهاد. سپس به آنچه می‌آموخت پیوسته عمل می‌نمود، و آن احکام را به دیگران نیز می‌آموخت.

این چنین از ابتدای سیر خود تا انتهای عمر شریف‌شان، همواره در مسیر شناخت و رعایت اوامر حضرت (عج) حرکت نمود و به واسطه عمل کردن به همین دستورالعمل به آن مقامات عالیه و آن درجه از قرب نائل شد. البته بدیهی است شناخت دین از راه اجتهاد برای همه امکان‌پذیر نیست. این گونه افراد باید از راه تقلید و عمل به رساله عملیه، در راستای رضای امام زمان (عج) گام بردارند. حضرت آیت‌الله بهجت (قدس سره) می‌فرماید:

«راه‌های ارتباط با خدا، طاعت خدا و طاعت امام زمان (عج) است، و تشخیص آن با تطبیق عمل به دفتر شرع است؛ یعنی رساله عملیه صحیحیه.»

همان گونه که حضرت آیت‌الله بهجت (قدس سره) تأکید داشت، مؤمنان باید رساله عملیه صحیحه را مبنای عمل قرار دهند. پس صرف چاپ و انتشار رساله، مجوز عمل به آن نمی‌شود. لازم است که مؤمن، با حال توسل به حضرت حجت (عج) و با این قصد که می‌خواهم آنچه را که مرضی شما است، انجام دهم و اعمال خود را با دفتر شرعی که شما می‌پسندید، تطبیق دهم \_ با دقت، تحقیق نماید، تا مجتهد جامع‌الشرایط و جایز‌التقلید را بیابد و سپس رساله او را مطالعه و به آن عمل کند. در این صورت چنین شخصی در محضر خدای متعال نسبت به اطاعت از امام زمان خویش، مأجور است و ان‌شاءالله امام زمان (عج) از او خرسند می‌شود. و در لغزش‌ها او را حفظ می‌کند و به سوی رضای الهی و بهترین مصلحت و سعادت رهنمون می‌گردد؛ چنان که حضرت (عج) در پیامی به حضرت آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی (قدس سره) که سعی در اطاعت از ایشان داشت، فرمود: «نَحْنُ نُنْصِرُکَ»<sup>۴۱</sup>

#### ● مراقبت دائم

عمل به واجبات و ترک محرّمات نیاز به مراقبت پیوسته دارد، و بدون مراقبت دائمی امکان‌پذیر نیست. آیت‌الله بهجت (قدس سره) تأکید زیادی داشت که برای حفظ ارتباط با حضرت حجت (عج) باید انسان مراقبت دائم داشته باشد تا میزان

درجه این ارتباط قلبی را بداند و تغییرات آن را حس کند. ایشان می‌فرمود: کسانی که به فکر قلب خود هستند، بالا و پایین رفتن آن را می‌فهمند. درجه اتصال و ارتباط قلبی، مثل درجات دماسنج است. البته میزان دقت دماسنج‌ها متفاوت است؛ برخی تنها اختلاف یک درجه را نشان داده و برخی از آن‌ها حتی اختلاف یک صدم درجه را نیز نشان می‌دهند. میزان ارتباط قلبی انسان با امام زمان (ع) نیز دارای درجات دقیقی است و شدت و ضعف دارد. هر قدر انسان مراقبه قلبی بیشتری داشته باشد، دماسنج قلبش دقیق‌تر خواهد شد و کم و زیاد شدن این درجات را سریع‌تر و دقیق‌تر حس خواهد کرد.

کسی که مراقبت دائم داشته باشد، به محض این که ارتباطش ضعیف شود، خدای متعال به او الهام می‌کند که ارتباط قلبی‌اش پایین آمده است. اما اگر کسی اصلاً به فکر این امور نباشد، متوجه افت و خیزهای قلبی‌اش نمی‌شود؛ مگر این که انفجار نوری عظیمی یا انحطاط بسیار فاحشی در قلبش روی دهد.

#### ● وظیفه در فتنه‌های آخرالزمان

در احادیث اهل بیت (ع)، هشدارهای اکیدی نسبت به فتنه‌های آخرالزمان داده شده است. از این رو بر مؤمنان واجب است که با هوشیاری کامل، بدانند در مقابل این فتنه‌ها چه وظیفه‌ای دارند. به فرموده حضرت آیت‌الله بهجت (قدس سره)،

قاعده اولیه در مواجهه با فتنه‌ها، لزوم احتیاط عملی و توقف نظری است. این راه حل، برای هر کسی ممکن و همچنین عمده‌ترین سلاح برای اهل ایمان است. ایشان می‌فرمود انسان باید در موارد شبهه که نمی‌داند وظیفه‌اش چیست، توقف کند، تا خدا وظیفه‌اش را برایش روشن نماید و نیز در قبال وقایع و رویدادهای تازه و حادث، همان‌گونه عمل کند که در گذشته عمل می‌نمودند: «تَمَسَّكُوا بِالْأَلْأَمَّةِ»<sup>۲۲</sup>

آیت‌الله بهجت همچنین تأکید داشت که با توجه به شدت فتنه‌های آخرالزمان و این که عده زیادی از ایمان خارج می‌شوند و سختی‌ها و ابتلائات شدیدی متوجه مؤمنان خواهد شد، همواره باید دعا کنیم که حصول فرج برای ما توأم با عافیت بوده و انسان از حیث حفظ ایمان و جمیع لوازمش تا آخر کار، در عافیت مطلق باشد.

## ۲. دعا و عبادت

### • برتری عبادت در زمان غیبت

یکی از سؤالاتی که مطرح می‌شود، این است که: در زمان غیبت، با وجود محروم بودن از فیض حضور ظاهری امام معصوم (ع)، آیا می‌توان همانند اصحاب ائمه اطهار (ع)، به بالاترین مقاماتی که برای انسان غیر معصوم متصور است، دست یافت؟

ابتدا به نظر می‌رسد که دیگر کسی نمی‌تواند به آن درجات عالی که اصحاب سرّ و حواریون ائمه اطهار (ع) رسیدند، دست یابد. در حال فقدان نبی و غیبت ولیّ و کمبود نفرات، با وجود فراگیر شدن فتنه‌های آخرالزمان و چیره شدن اسباب گمراهی و حزب شیطان و ظهور فساد در زمین، چگونه می‌توان راه نور و هدایت را در پیش گرفت؟ اگر چنین امکانی عقلاً نیز فراهم باشد، «قلیلی از آخرین» می‌توانند به پای «ثلة من الاولین» برسند.

اما چنین نیست خدای متعال در اجر و پاداش و منزلتی که بر بندگان خویش ارزانی می‌دارد، تنها عمل آن‌ها را در نظر نمی‌گیرد، بلکه شرایطی که فرد در آن قرار دارد را نیز ملاحظه می‌کند. از این روست که ایمان به پیامبر اکرم (ص) برای مؤمنانی که ایشان را ندیده‌اند و ایمان آورده‌اند، ارزشی به مراتب بیشتر از دیگران دارد در حدیثی از پیامبر اکرم (ص) آمده است: «طُوبَى لِمَنْ رَأَى وَ أَمِنَ بِى طُوبَى لِمَنْ طُوبَى يَقُولُهَا سَبْعًا لِمَنْ لَمْ يَرِنِى وَ أَمِنَ بِى» (مرحبا به حال کسی که مرا دید و به من ایمان آورد و مرحبا و مرحبا... (تا هفت بار) به حال کسی که مرا ندید و به من ایمان آورد).

بنابر این حدیث، ایمان کسی که پیامبر را ندیده و ایمان آورده، هفت برابر بیشتر از ایمان اصحاب پیامبر (ص) شایسته تحسین است.

آیت‌الله بهجت (قدس سره) نیز با وجود علم به تمام موانعی که در بالا ذکر شد، بر این اعتقاد بود که عبادت در زمان غیبت، افضل از عبادت در زمان حضور است و با تأکید بر این واقعیت، دیگران را از ناامیدی و کسالت در عبادت دور می‌کرد. و می‌فرمود:

«چه بسا از این که فرموده‌اند: "عبادت در غیبت، افضل از عبادت در حال حضور است"، بتوان استفاده کرد که مقامات بالاتری برای ما ممکن است!»  
همچنین می‌فرمود:

«بعضی مانند کودک یتیم بدون سرپرست هستند و به عمد و یا بدون عمد به هر جهت روی می‌آورند؛ البته فی‌الجمله معذور هستند، به دلیل عدم حضور امام زمان (عج). بنابراین، ممکن است به چنین شخصی گفته شود: راست می‌گویی، معذوری! خیلی چیزها را ندیدی و نمی‌دانی، حق داری، چون در زمان غیبت به سر می‌بری و از پدر روحانی و معنوی دستت کوتاه است که نتوانستی سلمان بشوی؛ سلمانی که «عِلْمَ عِلْمِ الْأَوَّلِ وَالْآخِرِ»<sup>۴۲</sup> (به علم اول و آخر آگاه بود) و [از مغیبات خبر می‌داد] فرمود: «إِذَا أَدْرَكْتُمْ سَيِّدَ شَبَابِ آلِ مُحَمَّدٍ، فَكُونُوا أَشَدَّ فَرَحًا بِقِتَالِكُمْ مَعَهُ»<sup>۴۳</sup> (وقتی سید جوانان آل محمد (ص) را درک کردید، پس به جهاد همراه او بیشترین خوشحالی را داشته باشید) اما این را چه می‌کنی که فرمود: «الْعِبَادَةُ فِي

الْغَيْبَةِ أَفْضَلُ مِنَ الْحُضُورِ» (عبادت در زمان غیبت، بافضیلت‌تر از زمان حضور است)، و نیز به اصحاب خود می‌فرمود: «أَنْتُمْ أَصْحَابِي وَأَوْلِيكَ إِخْوَانِي، فَوَاشِقُوا إِلَيَّ إِخْوَانِي، أَمْنُوا بِسَوَادِ عَلِيٍّ بِيَاضٍ»<sup>۴۴</sup> (شما یاران من هستید و آن‌ها - که در آخرالزمان می‌آیند - برادرانم هستند. چقدر من مشتاقم به دیدار برادرانم. آن‌ها به سیاه‌هایی بر روی کاغذها ایمان آورده‌اند).  
بنابراین، عبادت و آثار آن در زمان غیبت، نه تنها کمتر از زمان حضور نیست، بلکه افضل و مشتمل بر مواهب و موائد مضاعف است.

#### ● دعا و تضرع برای تعجیل فرج

دعا برای تعجیل فرج، یکی از مهم‌ترین وظایف مؤمن است، و اگر با شرایطش باشد - که همان ترک معاصی و انجام واجبات و توبه است - در تعجیل فرج تأثیر گذار است.

التزام به این دعا در سیره عبادی آیت‌الله بهجت (قدس سره)، بسیار مشهود بود؛ به نحوی که به جرأت می‌توان گفت ساعتی از ساعات بیداری ایشان نبود که در آن، برای فرج حضرت حجت (عج) دعا نکرده باشد.

یکی از توصیه‌های آیت‌الله بهجت (قدس سره) که برای تشنگان وصال بسیار

بهجت‌انگیز است، این بود که:

«حتی اگر با دعا برای ظهور حضرت (عج)، به مصالحی فرج عام حاصل نشود،

قطعاً برای خود دعا کننده فرج شخصی حاصل می‌گردد.»

البته تنها کسانی که صادقانه به دنبال حضرت (عج) هستند، اهمیت این مطلب را

درک و آثار آن را تحصیل می‌کنند.

استقامت بر ایمان، از مهم‌ترین مؤلفه‌های ضروری برای مؤمن است. از این رو اگر

کسی بخواهد بداند که با وجود فتنه‌های فراوان در آخرالزمان، آیا همچنان بر ایمان

خود ثابت قدم مانده است یا نه، باید ببیند که آیا برای تعجیل فرج حضرت حجت

(عج)، دعا می‌کند یا نه! ایشان در این خصوص می‌فرمودند:

«دعا برای تعجیل فرج، نشان‌دهنده این است که دعا کننده هنوز بر ایمان خود

ثابت و استوار است.»

ایشان ضمن تأکید بر این نکته که دعای فرج، خواسته خود امام عصر (عج) است

می‌فرمودند::

«حضرت غایب (عج) دارای بالاترین علوم است، و اسم اعظم بیش از همه در نزد

خود آن حضرت است؛ با این همه، به هر کس که در خواب یا بیداری به حضورش

مشرّف شده، فرموده است: برای من دعا کنید!»

ایشان دعا برای فرج را «نوعی ارتباط روحی با امام زمان (عج) و مرتبه‌ای از فرج» می‌دانست و همچنین آثار و لوازم ایمانی بسیار بلند مرتبه‌ای برای آن برمی‌شمرد. از این رو، غفلت از این نعمت بزرگ، مصداق کفران نعمت است؛ به‌ویژه برای کسی که واقعاً طالب رضای امام مهدی (عج) و شیدای وصال و دیدار ایشان است؛ به‌خصوص با توجه به این همه تأکیدی که از ناحیه خود حضرت (عج) به ما رسیده است.

#### • التزام به دعاهای مربوط به امام زمان (عج) و عصر غیبت

آیت‌الله بهجت (قدس سره) از بهترین راه‌های برقراری ارتباط با حضرت حجت (عج) را توسل و استغاثه به ایشان، خواندن زیارات مأثوره، اهدای صلوات، تشرّف به مراقد مطهره معصومین (ع) و اماکن منسوبه به حضرت (عج) همچون مسجد سهله و جمکران، و ادای اعمال آن اماکن برمی‌شمردند. ایشان همه روزه پایبند بودند که صبح‌ها به‌همان طریقی که خود اهل بیت (ع) توصیه نموده‌اند با امام زمان خویش (عج) تجدید پیمان کنند و زیارت مأثوره امام زمان (عج) بعد از نماز صبح یعنی دعای «اللَّهُمَّ بَلِّغْ مَوْلَايَ صَاحِبَ الزَّمَانِ» را بخوانند. ایشان دوستان و اطرافیان را نیز به این دعاها تشویق می‌کردند و حتی تأکید می‌نمودند آداب و ظرائف این دعاها رعایت شود. مثلاً سفارش می‌کردند پس از خواندن این دعا

مطابق روایت، انسان به نشانه بیعت با امام زمان (عج) دست روی دست خویش بگذارد. ایشان همچنین مقید بودند که بعد از نماز عشاء، ساعتی را در اتاق خلوت و تاریک برای توسل به امام زمان (عج) و زیارت ایشان اختصاص دهند و این‌گونه، شب و روز خود را در محضر امام زمان (عج) طی می‌نمودند.

افزون بر این، معظم‌له تأکید داشتند که در خلوت‌ها و اوقات تضرّع، دعای «إِلَهِي عَظُمَ الْبَلَاءُ» بسیار خوانده شود. ایشان همچنین به خواندن دعای «اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيكَ» به‌خصوص در هنگام اذان و صلوات ابوالحسن ضراب اصفهانی بعد از نماز عصر روز جمعه و برخی ادعیه دیگر توصیه می‌کردند و خود نیز به این دعاها و به‌طور خاص تمام ادعیه وارد شده از ناحیه مقدسه، همچون زیارت رجیبه و دعای «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَعَانِي جَمِيعِ مَا يَدْعُوكَ بِهِ...»<sup>۴۶</sup> ملتزم بودند.

#### • عشق‌ورزی به اماکن منسوب به حضرت حجت (عج)

یکی از اعمال مهم در سلوک حضرت آیت‌الله بهجت (قدس سره) برای برقراری ارتباط با امام زمان (عج) و حفظ و ارتقای این ارتباط، رفتن به اماکن منسوب به حضرت (عج) و انس گرفتن با آنجا و عمل کردن به اعمال مخصوص آن اماکن بود. بر همین اساس، ایشان وقتی در عراق به تحصیل علوم دینی می‌پرداخت، با وجود مشغله‌های علمی فراوان، از این امر غافل نبود و از اهم برنامه‌های عملی ایشان،

رفتن مستمر به مسجد مقدس سهله و بیتوته در آنجا بود.<sup>۴۷</sup> همچنین شب‌های

طولانی را در آن مکان مقدس به عبادت می‌گذراند.<sup>۴۸</sup>

آیت‌الله بهجت بعداً هم که به ایران بازگشت، همان التزام را نسبت به مسجد

مبارک جمکران داشت و مورد عنایت خاص بودن آن مکان را از مسلمات

می‌دانست و می‌فرمود: «جمکران، سهله ایران است و خدا می‌داند چه اعظمی در

آنجا چه کرامت‌هایی دیده‌اند».

معظم‌له به حضور در مسجد جمکران و ادای نمازهای آن بسیار مقید بود و دیگران

را - به خصوص کسانی که برای تشرّف به محضر حضرت (عج) از او درخواست

دستورالعمل داشتند - هم به آن توصیه می‌نمود. هر کسی در قم به محضر ایشان

مشرّف می‌شد، تأکید می‌کرد که حتماً به زیارت مسجد جمکران مشرّف شود.

آیت‌الله بهجت برای تعظیم این مکان مقدس و تأکید بر مواظبت بر تشرّف به آنجا،

به مناسبت‌های گوناگون و به‌طور مکرر، کراماتی را که در آنجا دیده شده بود، نقل

می‌نمود؛ اعم از کراماتی که حین بنای آن مسجد مقدس و کراماتی که حین اصلاح

و مرمت آن مکان شریف، مشاهده و محقق شده بود. معظم‌له همچنین بسیاری از

مواقع کراماتی را نقل می‌کرد از بزرگانی که به آن مکان مشرّف شده و حضرت

(عج) را در آنجا ملاقات کرده بودند، و تأکید می‌نمود که آن مکان، مورد عنایت

خاص امام زمان (عج) است.

ایشان همچون عاشقی شیدا، هر مکانی را که انتساب به حضرت (عج) داشت و

رایحه امام (ع) از آنجا به مشام می‌رسید - مانند مقام امام زمان (عج) در

وادی السّلام - تعظیم می‌نمود و به زیارت آن مکان شریف می‌رفت؛ حتی خانه‌ای را

که حضرت (عج) به آنجا پا گذاشته و یا صاحب آن خانه را مفتخر به شرفیابی نموده

بود، مورد عنایت و تفقد قرار می‌داد.

۳. عمل به وظائف اجتماعی

● کشاندن دل‌ها به سوی حضرت حجت (عج)

عارف و فقیه بزرگ، حضرت آیت‌الله بهجت (قدس سره)، به بندگی و عشق‌ورزی

شخصی خود به امام زمان (عج) اکتفا نمی‌کرد، و دیگران را هم به این مسیر

سعادت راهنمایی می‌نمود. ایشان مطابق دستور پیامبر اکرم (ص)، علم خویش را

به کسانی که شایستگی دریافت گوهر معرفت به امام را داشتند، نشر می‌داد؛<sup>۴۹</sup> به

این امید که این‌گونه کسی را هدایت نماید؛ چراکه هدایت دیگران از دنیا و آنچه در

آن است، ارزشمندتر است.<sup>۵۰</sup> جز این هم از مقربان حضرت (عج) انتظار نمی‌رود.

آن‌ها «کلید درهای هدایت و قفل درهای گمراهی» هستند.<sup>۵۱</sup>

مؤمن واقعی همواره به فکر نفع رساندن به دیگران است. به فرموده پیامبر اکرم

(ص) انسان همان گونه که خویشتن را نصیحت و به خیر دعوت می کند، باید خیر خواه دیگران نیز باشد.<sup>۵۲</sup> ضرورت این نفع رساندن و هدایت کردن، در عصر غیبت \_ که عوامل گمراهی آشکارتر و عوامل هدایت مخفی تر است \_ دوچندان می شود.

هدایت کردن انسان ها به ایمان و ولایت امام زمان (عج)، در حقیقت، زنده کردن آن هاست؛ چنان که گمراه کردن آنان نیز گرفتن جان آن هاست. مطابق حدیث امام باقر (ع) باید گفت حیات و ممات حقیقی انسان در گرو ایمان و کفر اوست، که بسی مهم تر از زنده بودن ظاهری است و به حکم آیه قرآن کریم، کسی که یک نفر را از مرگ نجات دهد، گویی تمام انسان ها را از مرگ نجات داده است. از این رو، هدایت کردن یک انسان، به اندازه هدایت کردن همه انسان ها ارزش دارد.<sup>۵۳</sup>

مهم ترین مصداق هدایت انسان ها، راهنمایی آنان به سوی امام آن هاست، تا از مرگ جاهلی در امان بمانند. آیت الله بهجت (قدس سره) نیز تمام حرکات و سکناتش در راستای هدایت مردم به امام زمانشان (عج) بود. ایشان با زبان و رفتار و نگاه و بلکه با تمام وجود خویش، دیگران را به سوی امامشان و دل سپردن به ایشان دعوت می کرد و مصداق عملی این روایت بود که: «جَرُّوا إِلَيْنَا كُلَّ مَوَدَّةٍ»<sup>۵۴</sup> (هر محبتی را به سوی ما بکشانید)، بود؛

«اگر ما نیز به اندازه توان خود در هدایت مردم تلاش و کوشش کنیم، آیا امکان دارد که مورد عنایت "عینُ اللهِ الناظِرَة" و امام زمان (عج) نباشیم؟!»

#### ● توصیه هایی به اهل علم

اهتمام به امور مسلمانان از بارزترین صفات مؤمن است، چنان که پیامبر اکرم (ص) می فرمایند: «کسی که صبح کند در حالی که به امور مسلمانان اهتمام ندارد مسلمان نیست»<sup>۵۵</sup>. بدیهی است این وظیفه نسبت به اهل علم و کسانی که طلوعه دار ارشاد و فرهنگ سازی در جامعه هستند بیشتر و سنگین تر است. از این رو بخش حاضر به بیان برخی از وظائف اهل علم اختصاص می یابد.

مهم ترین وظیفه اهل علم اصلاح نفس است، چرا که رسیدن به اهداف اجتماعی مقدس تنها از این مسیر میسر است. کسی که خود مؤدب به آداب اسلامی نشده و



با مذاق اهل بیت (ع) آشنا نبوده و تهذیب خویش را سرلوحه کارهایش قرار نداده باشد، اگر در جایگاه تأدیب و تدبیر امور مردم قرار گیرد، جز وزر و وبال برای خود عایدی ندارد.<sup>۵۶</sup>

بر همین اساس، معظم‌له تأکید داشت که:

«اگر ما خودمان را اصلاح کنیم، به تدریج همه بشر اصلاح می‌شود.»

فردی که خود، نمادی از عبودیت و بندگی خدا باشد، با رفتارش دیگران را به سمت حجت خدا می‌کشاند،<sup>۵۷</sup> و کسی که رابطه خود را با حضرت (عج) اصلاح نکرده و امضا و تأیید ایشان را نگرفته نمی‌تواند رابطه دیگران را با آن حضرت (عج) اصلاح کند.

آیت‌الله بهجت معتقد بود آنچه به اعمال و رفتار اهل علم معنا می‌بخشد خواست و رضایت امام عصر (عج) است. ایشان می‌فرمودند: اهل علم همواره باید به دنبال این باشند که پای اعمال و خدمات خود، امضاء و مهر امام زمان (عج) و تأیید ایشان را بگیرند. به فرموده معظم‌له، اگر کسی در فکر خدمت به امام زمان (عج) باشد، قطعاً آن حضرت نیز به فکر او خواهد بود. توصیه ایشان این بود که اهل علم، وظایف فردی و اجتماعی (همچون تحصیل، مطالعه، تدریس، تألیف، تبلیغ، امامت جماعت و...) خود را در راستای تحصیل رضا و تأیید حضرت حجت (عج) و خدمت

به ساحت قدسی ایشان انجام دهند.

از نظر ایشان اشتغال به امور معنوی و عبادات و توسلات، اهمیت کمتری از اشتغال به درس و بحث - که بی‌شک از اهم واجبات و ضروریات اهل علم است - ندارد؛ چرا که اساساً توفیق در مسائل علمی، از مسائل معنوی نشأت می‌گیرد:

«به تجربه برای من ثابت شده است که اگر کوتاهی در مسائل عبادی [مستحبات] حاصل نشود، [یادگیری] درسی که نیاز به یک ساعت مطالعه دارد، در ده دقیقه انجام می‌شود.»

یکی از مهم‌ترین مسائل عبادی که توجه به آن برای اهل علم ضروری است، توسل به حضرت حجت (عج) است.

توسل در سیره آیت‌الله بهجت معنایی وسیع‌تر از آنچه در ابتدا به نظر می‌رسد، دارد. ایشان نه تنها بخشی از اوقات شبانه‌روز را به مناجات و خواندن ادعیه و زیارت نسبت به آن حضرت اختصاص می‌داد، اشتغال به مسائل علمی برای استنباط احکام و معارف دینی را نیز وسیله تقرب و توسل به آن حضرت می‌دانست. از این رو کرسی درس ایشان تا آخرین روزهای حیات مبارکشان در ۹۳ سالگی برقرار بود و تعطیل نشد.

گفتنی است که گاهی بعضی از طلاب، وظایف عادی و متعارف طلبگی را ساده و کم‌اهمیت می‌شمارند و رو به کارها و اموری می‌آورند که یا مخالف شئون طلبگی است و یا خارج از حیطه وظایف اصلی اهل علم است. آیت‌الله بهجت (قدس سره) التزام طلاب به شئون اصلی طلبگی را بسیار مهم و قیمتی می‌شمرد.<sup>۵۸</sup> بنابراین، اهل علم باید همواره به انجام وظایف خود که مناسب با شئون و نقش‌های متعارف طلبگی است، مشغول باشند و هرگز از این وظایف فروگذار نکنند. معظّم‌له همچنین توصیه می‌فرمود:

«ما اهل علم در هر حال باید به وظیفه خود عمل کنیم. نوکرهای امام زمان (ع) عموماً باید عمل به وظیفه کنند... و توسلات را هم داشته باشند.»

بررسی برخی از شایعات منتسب به آیت‌الله بهجت (قدس سره)

مباحث مربوط به امام زمان (عج) شیفتگان و تشنگان زیادی دارد و شیعیان این امام همام (عج) چون یعقوبی در پی یوسف همواره به دنبال بشارتی درباره ظهور موفور السرور آخرین ذخیره الهی هستند. اهمیت موضوع ظهور برای منتظران در کنار جایگاه والای آیت‌الله بهجت در بین عموم مسلمانان خصوصاً شیعیان، موجب شده بود هر از گاهی نقل قول‌های ناقص و حتی کاذب به صورت شایعه با عنوان بشارت‌های ظهور در جامعه منتشر گردد.

رواج این شایعات دست کم سه علت مهم داشت که از سر ضرورت بیان می‌شود. باشد که موجب هوشیاری بیشتر مؤمنین گردد. جریاناتی خاص به غرض تخریب چهره علمای ربانی طراز اول مذهب عالم‌اً عامداً اقدام به نشر این شایعات می‌کردند. و در جامعه اسلامی پر واضح بود که حضرت آیت‌الله بهجت (قدس سره) از افضل و اوثق علماء برجسته محسوب می‌شد به خصوص به خاطر تقوا و ورع منحصر به فرد ایشان که مقرون با رسوخ در علم بود، به نحوی که بسیاری از اصحاب خبره اعلیّت و اورعیّت ایشان را شهادت داده بودند. و از این جهت چهره‌ای بسیار محبوب در قلوب مؤمنین داشت که قهراً راهبری دل‌ها را به دنبال داشت. لذا تخریب چهره ایشان ضربه سنگینی به دین و رجال دین و علما وارد می‌کرد. بنابراین جای شگفتی نبود که سازمان‌های اطلاعاتی کفار که سابقه‌ای چند صدساله در برنامه ریزی‌های دقیق برای چنین اهدافی دارند، ضربه‌زدن به اعتماد عمومی مردم به علماء را در اولویت مأموریت‌های جیره خواران و جاسوس‌های خود قرار دهند. و متأسفانه ما نیز در خواب غفلت به سر می‌بریم و گاه با ترویج برخی از همین شایعات به ظاهر ساده ناخواسته در مسیری که کفار آن را پی‌ریزی کرده‌اند گام می‌نهیم. وقتی که این‌گونه در جامعه تبلیغ شود که عالم برجسته‌ای مانند حضرت آیت‌الله بهجت (قدس سره) در مورد مسأله‌ای چون ظهور حضرت حجت (عج) با این درجه از اهمیت نزد مؤمنین - وعده‌ای قطعی

برای مطالعه همه قسمت‌ها لطفاً نسخه کامل کتاب را خریداری کنید.

داده‌اند سپس آن وعده محقق نشود، تو خود پیامدهای منفی این مطلب را در یاب، از سلب اعتماد به علماء و شک و تردید در دیگر بیانات آن‌ها گرفته تا تردید در اصل ظهور و ...!

گروه‌های دیگری بودند که با کمال شگفتی از کفار نیستند و کاملاً خودی محسوب می‌شدند بلکه خود را رؤوس برخی جریانات فکری می‌دانند اما به خاطر تعصب بر عقیده و مسلک خویش، خود را در تخریب هر کسی که او را مخالف خود و فکر خود بشمارند محق می‌دانند، و لو او شیخ مفید باشد یا سیدبن طاوس یا مقدس اردبیلی یا سید بحرالعلوم یا هر کسی دیگری از اعظام علماء. اینان گاه به دروغ عالم‌ا و عامداً عبارات کذب و یا وعده‌های محقق نشده را به اعظام علمای ربانی نسبت می‌دهند. و یا عده‌ای دیگر که در افتراء بستن عالم و عامد نیستند لکن از روی حسد یا بغض و ... بدون تفحص از منبع مطالب نقل شده و تأمل در معنای عبارات، شتاب‌زده جمله‌ای را به علماء نسبت می‌دهند و آن‌را در همه جا نشر می‌دهند، و بدین ترتیب علماء ربانی شیعه را در حد پیشگویان مادی‌ای تنزل می‌دهند که پیشگویی‌هایشان گاه محقق می‌شود و گاه دروغ از آب در می‌آید!

## یادداشت‌ها

- [←۹] علاوه بر منابع شیعه، در منابع اهل سنت نیز به وجود اوتاد و نقباء اذعان شده است.
- [←۱۰] زاد المعاد، دعای عدیله کبیر.
- [←۱۱] دلائل الإمامة، ص ۴۳۶.
- [←۱۲] برای مثال، آیت‌الله بهجت (ره) از آیت‌الله سید مرتضی کاشمیری (ره) تعبیر به اوتاد می‌کردند.
- [←۱۳] رجال کشی، ص ۲۳۸.
- [←۱۴] مرحوم کفعمی در کتاب مصباح خویش، وقتی به این قسمت دعا می‌رسد، در خصوص ابدال و اوتاد چنین می‌گوید: همانا زمین هرگز از «قطب» خالی نمی‌شود و چهار نفر از «اوتاد»، چهار نفر از «ابدال»، هفتاد نفر از «نجباء» و سیصد و شصت نفر از «صلحاء» همواره بر روی زمین هستند.
- [←۱] هود، ۸۶.
- [←۲] الاحتجاج علی أهل اللجاج، ج ۱، ص ۱۸.
- [←۳] کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۴۸۴.
- [←۴] اشاره به نامه حضرت آیت‌الله سید علی قاضی (ره).
- [←۵] یوسف، ۸۸.
- [←۶] کافی، ج ۱، ص ۲۰۰.
- [←۷] فرازی از زیارت جامعه کبیره.
- [←۸] اختصاص، ص ۶۱.

[۱۵←]

او.»

تهذیب الأحكام، ج ۶، ص ۱۱۸.

[۲۳←]

[۱۶←]

کافی، ج ۲، ص ۲۴۲.

الهدایة الكبرى، ص ۲۲۹ مناقب علوی، ص ۱۲۵ بحار الأنوار، ج ۲۶، ص ۱۳.

[۲۴←]

[۱۷←]

کمال الدین، ج ۲، ص ۴۸۵.

بقره، ۴۰.

[۲۵←]

[۱۸←]

«سُئِلَ أَبُو مُحَمَّدٍ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ (ع) وَأَنَا عِنْدَهُ عَنِ الْخَبْرِ الَّذِي رَوَى عَنْ أَبِيهِ (ع) أَنَّ

فقره‌ای از زیارت جامعه کبیره.

الْأَلَاتِ مِنْ حُجَّةٍ لِلَّهِ عَلَى خَلْقِهِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَأَنَّ مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ

[۱۹←]

مَاتَ مَيِّتَةً جَاهِلِيَّةً، فَقَالَ: إِنَّ هَذَا حَقٌّ كَمَا أَنَّ النَّهَارَ حَقٌّ، فَقِيلَ لَهُ: يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ

بحار الأنوار، ج ۶۹، ص ۱۶۶.

فَمَنْ الْحُجَّةُ وَالْإِمُّ بَعْدَكَ؟ قَالَ ابْنِي مُحَمَّدٌ هُوَ الْإِمُّ وَالْحُجَّةُ بَعْدِي مَنْ مَاتَ وَ

[۲۰←]

لَمْ يَعْرِفْهُ مَاتَ مَيِّتَةً جَاهِلِيَّةً؛ رَاوَى مِي گويد که از امام حسن عسکری (ع) در حضور

همان، ج ۶۵، ص ۵۵.

من پرسیده شد: آیا این دو روایت که از پدرانتان برای ما نقل شده، صحیح است که

[۲۱←]

زمین تا روز قیامت از حجت خدا خالی نمی‌شود و هر کس بدون شناخت امام

أمالی طوسی، ص ۱۳۳، ح ۲۱۴.

زمانش بمیرد، به مرگ جاهلی مرده است؟ حضرت (ع) فرمود: این دو روایت حق

[۲۲←]

هستند؛ همان‌طور که روز حق است. به حضرت عرضه داشتند: پس چه کسی

اشاره به فقره‌ای از زیارت وارث که خطاب به اصحاب سیدالشهدا (ع) عرضه

حجت خدا و امام بعد از شما است؟ حضرت (ع) فرمود: فرزندم محمد؛ او امام و

می‌شود: «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَوْلِيَاءَ اللَّهِ وَأَحِبَّائِهِ؛ سَلَامٌ بِرِشْمَايِ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ وَحَبِيبَانِ

حجت بعد از من است و هر کس بمیرد و او را نشناسد، به مرگ جاهلی مرده است؛» کفایة الأثر، ص ۲۹۶.

[←۲۶]

«عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ قُلْتُ جُعِلَتْ فِدَاكَ قَوْلُهُ «وَلَقَدْ آتَيْنَا لُقْمَانَ الْحِكْمَةَ» قَالَ أَوْتِي مَعْرِفَةَ إِمَامٍ زَمَانِهِ؛ رَاوِي مِي گويد از امام صادق (ع) پرسيدم: فدای شما بشوم؛ اين آيه قرآن که می فرماید "ما به لقمان حکمت داديم"، مقصودش چیست؟ حضرت فرمود: به او معرفت امام زمانش را دادند؛" تفسیر قمی، ج ۲، ص ۱۶۱.

«عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) عَنْ قَوْلِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى «وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا» فَقَالَ هِيَ طَاعَةُ اللَّهِ وَمَعْرِفَةُ الْإِمَامِ؛ ابوبصير می گوید که از امام صادق (ع) درباره این سخن خدای متعال سؤال کردم: "و به هر کس حکمت برسد، خیر کثیری به او رسیده است؛" حضرت فرمود: این (حکمت)، همان اطاعت از خدا و معرفت به امام است؛" محاسن برقی، ج ۱، ص ۱۴۸.

[←۲۷]

«عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع): سَلَّمَ أَنْ خَيْرٌ مِنْ لُقْمَانَ؛ امام صادق (ع) می فرماید: سلمان برتر از لقمان است؛» بصائر الدرجات ج ۱ ص ۱۸.

[←۲۸]

در روایت است که امام صادق (ع) پس از بیان مقامات و فضایل حضرت لقمان (ع)، درباره حکمت او (ع) می فرماید: «فَإِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَمَرَ طَوَائِفَ مِنَ الْمَلَائِكَةِ - حِينَ انْتَصَفَ النَّهَارُ وَهَدَّاتِ الْعُيُونُ بِالْقَائِلَةِ - فَنَادُوا لُقْمَانَ حَيْثُ يَسْمَعُ وَلَا يَرَاهُمْ فَقَالُوا: يَا لُقْمَانَ هَلْ لَكَ أَنْ يَجْعَلَكَ اللَّهُ خَلِيفَةً فِي الْأَتْحَمِ بَيْنَ النَّاسِ؟ فَقَالَ لُقْمَانَ: إِنَّ أَمْرِي بِاللَّهِ بِذَلِكَ فَالَسَّمْعُ وَالطَّاعَةُ لِأَنَّ فِعْلَ بِي ذَلِكَ أَعَانَنِي عَلَيْهِ وَعَلَّمَنِي وَعَصَمَنِي وَإِنْ هُوَ خَيْرٌ مِنِّي قَبِلْتُ الْعَافِيَةَ... قَالَ: فَلَمَّا أُوتِيَ الْحُكْمَ بِالْخِلَافِ وَلَمْ يُقْبَلْهَا أَمَرَ اللَّهُ الْمَلَائِكَةَ فَنَادَتْ دَاوُدَ بِالْخِلَافِ فَقَبِلَهَا وَ لَمْ يُشْتَرِطْ فِيهَا بِشَرَطِ لُقْمَانَ فَأَعْطَاهُ اللَّهُ الْخِلَافَ فِي الْأَهْمَانَا خدای تبارک و تعالی در نیمه شب و هنگامی که چشم‌ها به خواب رفته بود، به گروهی از ملائکه دستور داد که نزد لقمان رفتند؛ به نحوی که صدای آن‌ها را می شنید، ولی آن‌ها را نمی دید. سپس ملائکه ندا دادند: ای لقمان! آیا می خواهی خداوند تو را نماینده خود بر روی زمین قرار دهد، تا بین مردم حکمرانی کنی؟ لقمان گفت: اگر خداوند به من دستور دهد، حتماً اطاعت می کنم، چون وقتی او خودش به من دستور دهد، مرا یاری خواهد کرد و به من آموزش

[←۲۹]

«عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) فِي قَوْلِهِ: «أَهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» قَالَ الطَّرِيقَ وَ مَعْرِفَةَ الْإِمَامِ صَادِقِ (ع) دَرَبَارَه آيَه "أَهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ" فَرَمُود: يَعْنِي رَاه وَ مَعْرِفَتِ اِمَامٍ؛» تَفْسِيرِ قَمِي، ج ۱، ص ۲۸.

[←۳۰]

«عَنْ جَابِرٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ (ع) يَقُولُ إِنَّمَا يَعْرِفُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَ يَعْبُدُهُ مَنْ عَرَفَ اللَّهَ وَ عَرَفَ اِمَامَهُ مِنْ اَهْلِ الْبَيْتِ؛ جَابِرٌ مِي گويد كه از امام باقر (ع) شنيدم كه مِي فرمود: تنها كسي خدای عزوجل را مِي شناسد و او را عبادت مِي كند كه هم خدا و هم امام او از میان ما اهل بیت را بشناسد؛» كافی، ج ۱، ص ۱۸۱.

[←۳۱]

این سخن برگرفته از روایات اهل بیت (ع) است. روایات متعددی به این مطلب اشاره دارد برای این که فردی از دوستان و موالیان اهل بیت (ع) محسوب شود کافی است اعتقاد و باور قلبی داشته باشد که در هر زمان امامی از فرزندان رسول خدا (ص) وجود دارد و دوستی و پیروی از او و بیزاری جستن از دشمنانش

[←۳۲]

اختیار معرفة الرجال، ص ۲۴۹.

[←۳۳]

«قَالَ سُلَيْمَانُ فَقُلْتُ لِلصَّادِقِ (ع) فَكَيْفَ يَنْتَفِعُ النَّاسُ بِالْحُجَّةِ الْغَائِبِ الْمَسْتُورِ قَالَ كَمَا يَنْتَفِعُونَ بِالشَّمْسِ إِذَا سَتَرَهَا السَّحَابُ؛ سُلَيْمَانٌ مِي گويد: به امام صادق (ع) عرض كردم: مردم چگونه از داشتن حجت غایب و پنهان سود مِي برند؟ حضرت فرمود: همان گونه كه وقتی ابر خورشید را پنهان مِي كند، مردم از خورشید سود مِي برند؛» كمال الدين، ج ۱، ص ۲۰۷.

[←۳۴]

دلایل الامامة، ص ۴۳۶.

[۳۵←]

«فِي مَقْعَدِ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِيكٍ مُّقْتَدِرٍ؛ در قرارگاه صدق نزد پادشاهی توانایند.» (قمر، ۵۵).

[۳۶←]

الخرائج و الجرائح، ج ۲، ص ۵۹۶.

[۳۷←]

ائمه اطهار(ع) چشم بینای خدا و گوش شنوای او هستند؛ نک: الامامة و التبصرة من الحيرة، ص: ۱۳۲ التوحيد صدوق، ص: ۱۶۷ المزار الكبير، ص: ۲۱۷ بصائر الدرجات، ج ۱، ص: ۶۱ جمال الاسبوع، ص ۳۷.

[۳۸←]

یکی از اهل علم بعد از بازگشت از سفر تبلیغی، به محضر حضرت آیت‌الله بهجت(ره) مشرف شد. او نقل می‌کند که معظم‌له سخنانی به این مضمون به من فرمود: «خانواده‌تان از شما توقع سوغات دارند؛ سوغاتی هم لازم است. ما هم از شما توقع سوغات داریم، اما نه سوغاتی مادی، چون به نظر ما دنیا ارزشی ندارد؛ ما سوغاتی معنوی از شما می‌خواهیم. شما برای ما مبشرات بیاورید. خبر از ارتباطات

باطنی بیاورید!» او می‌گوید به ایشان عرض کردم راهش را به ما بیاموزید، تا توفیق ارتباط باطنی حاصل شود. معظم‌له(ره) در پاسخ بنده فرمود: «راهش این است که بدانید حضرت(عج) خیلی به شما نزدیک است! آن مقدار که این حرفی که الان من دارم به شما می‌گویم، حضرت(عج) زودتر از آن که شما بشنوید، می‌شنود؛ و

فرمایشی که شما می‌فرمایید، قبل از این که من بشنوم، آن حضرت(عج) می‌شنود. توجه به این قرب و اشراف داشته باشید، ارتباط حاصل می‌شود!»

[۳۹←]

مناقب آل ابی طالب(ع)، ج ۴، ص ۲۳۷.

[۴۰←]

در روایت از امام باقر(ع) آمده است: «قَالَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ (ع) لِأَبِ قَبْلَ أَنْ يُقْتَلَ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) قَالَ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ إِنَّكُمْ سَتَسَاقُونَ إِلَى الْعِرَاقِ وَ هِيَ أَرْضٌ قَدْ تَقَى بِهَا النَّبِيُّونَ وَ أَوْصِيَاءُ النَّبِيِّينَ وَ هِيَ أَرْضٌ تُدْعَى عَمُورًا وَ إِنَّكُمْ تَسْتَشْهَدُونَ بِهَا وَ يَسْتَشْهَدُ مَعَكُمْ جَمَاعَةٌ مِنْ أَصْحَابِكُمْ لَا يَجْنُ أَلَمَ مَسِّ الْحَدِيدِ وَ تَلَا «قُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَ سَلَامًا عَلَيَّ إِبْرَاهِيمَ» تَكُونُ الْحَرْبُ عَلَيْكَ وَ عَلَيْهِمْ بَرْدًا وَ سَلَامًا؛ امام حسین(ع) قبل از شهادت، به یاران خود فرمود: رسول خدا(ص) به من گفت: ای پسر من! تو به عراق کشانده خواهی شد و آن سرزمینی است که پیامبران و اوصیای پیامبران آنجا را دیدار



کرده‌اند و آن سرزمینی است که عمورا خوانده می‌شود و تو در آنجا به شهادت

می‌رسی و همراه تو عده‌ای از یارانت به شهادت می‌رسند که درد شمشیر و نیزه‌ها را

حس نمی‌کنند. و سپس این آیه را تلاوت نمود: "گفتیم ای آتش! بر ابراهیم سرد و

سلامت باش"، جنگ نیز بر تو و اصحابت سرد و سلامت خواهد بود؛" الخرائج و

الجرائح، ج ۲، ص ۸۴۸.

[۴۱←]

در توفیق شریفی خطاب به سید ابوالحسن اصفهانی چنین می‌رسد: «ارْخُصْ

نَفْسَكَ وَ اجْعَلْ مَجْلِسَكَ فِي الدَّهْلِيْزِ وَ اقْضِ حَوَائِجَ النَّاسِ نَحْنُ نَنْصُرُكَ؛ خودت را

نرم بنما (در دسترس همه قرار بده)، و محل نشستن خویش را دهلیز خانه انتخاب

کن، و حاجت‌های مردم را برآور، که ما یاری‌ات می‌کنیم؛» واسطه ابلاغ این توفیق

مبارک، عالم باورع شیخ محمد کوفی (ره) بوده است.

[۴۲←]

«عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) أَنَّهُ قَالَ: «كَيْفَ أَنْتُمْ إِذَا بَقِيْتُمْ دَهْرًا مِنْ عُمْرِكُمْ لِاتَّعْرِفُونَ

إِمَامَكُمْ؟ قِيلَ لَهُ فَإِذَا كَانَ ذَلِكَ فَكَيْفَ نَصْنَعُ؟ قَالَ: تَمَسَّكُوا بِالْأُحْتَى يَسْتَبِيْنُ لَكُمْ؛

امام صادق (ع) فرمود: شما را چه می‌شود اگر باقی بمانید تا زمانی از عمرتان که

امامتان را نمی‌شناسید؟ گفته شد: در چنین شرایطی چگونه عمل کنیم؟ فرمود: به

همان دستور اول ما تمسک کنید، تا این که (امر جدید ما) بر شما آشکار شود».

«عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ: دَخَلْتُ أَنَا وَ أَبِي عَلِيَّ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) فَقَالَ: كَيْفَ أَنْتُمْ إِذَا

صِرْتُمْ فِي حَالٍ لِاتَّرَوْنَ فِيهَا إِمَامَ هُدًى وَ لَا عِلْمًا يَرَى وَ لَا يَنْجُوا مِنْهَا إِلَّا مَنْ دَعَا دُعَاءَ

الْغَرِيْبِ! فَقَالَ لَهُ أَبِي: إِذَا وَقَعَ هَذَا لَيْلًا فَكَيْفَ نَصْنَعُ؟ فَقَالَ: أَمَا أَنْتَ فَلَاتَدْرِكُهُ فَإِذَا كَانَ

ذَلِكَ فَتَمَسَّكُوا بِمَا فِي أَيْدِيكُمْ حَتَّى يَتَضَحَّ لَكُمْ الْأُ؛ عبدالله بن سنان می‌گوید من و

پدرم بر امام صادق (ع) وارد شدیم. حضرت فرمود: شما را چه می‌شود اگر به حالی

منتقل شدید که نه امام هدایتی را می‌بینید و نه پرچمی دیده می‌شود و کسی از آن

حال نجات نمی‌یابد، مگر این که دعای غرق‌شدگان را بخواند! پدرم عرض کرد: اگر

چنین شب ظلمانی بر ما واقع شد، چگونه عمل کنیم؟

«عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) أَنَّهُ قَالَ: يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ يَصِيْبُهُمْ فِيهَا سَبْطَةٌ يَأْرِزُ الْعِلْمُ

فِيهَا كَمَا تَأْرِزُ الْحَيَّةُ فِي جُحْرِهَا فَيَبِيْنَمَا هُمْ كَذَلِكَ إِذْ طَلَعَ عَلَيْهِمْ نَجْمٌ، قُلْتُ: فَمَا

السَّبْطَةُ؟ قَالَ: الْفِتْرَةُ، قُلْتُ: فَكَيْفَ نَصْنَعُ فِيمَا بَيْنَ ذَلِكَ؟ فَقَالَ: كُونُوا عَلَيَّ مَا أَنْتُمْ

عَلَيْهِ حَتَّى يَطْلُعَ اللَّهُ لَكُمْ نَجْمَكُمْ؛ امام صادق (ع) می‌فرماید: بر مردم زمانی خواهد

آمد که در آن برهه (سبطه)، علم پنهان می‌شود؛ همان طور که مار در لانه خود

پنهان می‌گردد؛ در چنین زمانی ناگهان ستاره‌ای بر آن‌ها طلوع خواهد کرد. راوی

می‌پرسد: مقصود از برهه (سبطه) چیست؟ حضرت فرمود: فاصله میان دو مرحله.

راوی می‌گوید: در میان این دو مرحله، چگونه عمل کنیم؟ حضرت فرمود: بر همان رویه‌ای که هستید، باقی بمانید تا این که ستاره‌تان طلوع کند؛ «کمال الدین، ج ۲، صص ۳۴۸-۳۴۹».

[←۴۳]

بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۱۲۱ و ج ۲۲، ص ۳۳۹.

[←۴۴]

همان، ج ۴۴، ص ۳۷۲.

[←۴۵]

ر.ک: من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳۶۵؛ وسائل الشیعه، ج ۲۷، ص ۹۲؛

مستدرک الوسائل، ج ۱۷، ص ۳۰۰؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۲۵ و ج ۷۴، ص ۵۵؛

جامع الأخبار، ص ۱۸۰؛ کمال الدین، ج ۱، ص ۲۸۸؛ مکارم الأخلاق، ص ۴۴۰.

[←۴۶]

دعایی که از ناحیه مقدسه در اعمال هر روز ماه رجب وارد شده است.

[←۴۷]

یکی از نزدیکان حضرت آیت‌الله بهجت(ره) نقل می‌کند: ایشان وقتی به عتبات

عالیات مشرف شده بود، با این که هنوز یک سال به سن بلوغ ایشان باقی مانده

بود، بر رفتن به مسجد سهله مواظبت داشت و روزی در یکی از تشرفاتش به مسجد سهله، دو رکعت نماز مستحبی به جا آورد که در رکعت اول سوره بقره و در رکعت دوم سوره آل عمران را از حفظ قرائت کرد. ایشان از کودکی این گونه عاشق و شیدای عبادت بود و در حالی که هم سن و سال‌های او مشغول لهو و لعب بودند، بدون احساس خستگی و با شوق وافر به عبادت می‌پرداخت.

[←۴۸]

آیت‌الله شیخ عباس هاتف قوچانی می‌فرمود: آیت‌الله بهجت(ره) بسیار به مسجد سهله می‌رفت و

[←۴۹]

نوادر راوندی، ص ۱۸.

[←۵۰]

منیة المرید، ص ۱۰۱.

زنده کرده است و کسی که انسانی را از هدایت به گمراهی بکشاند، همانا او را

کشته است؛» کافی، ج ۲، ص ۲۱۰.

[۵۱←]

نهج البلاغه، ص ۱۱۸.

«عَنْ فَضِيلِ بْنِ يَسَارٍ قَالَ: قُلْتُ لَأَللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي كِتَابِهِ «وَمَنْ أَحْيَاها فَكَأَنَّمَا أَحْيَا

النَّاسَ جَمِيعاً» قَالَ مِنْ حَرَقٍ أَوْ غَرَقٍ قُلْتُ فَمَنْ أَخْرَجَهَا مِنْ ضَلَالٍ إِلَى هُدًى قَالَ

ذَاكَ تَأْوِيلُهَا الْأَعْظَمُ؛ فَضِيلُ بْنُ يَسَارٍ مَيَّ گويد که به امام باقر(ع) گفتم: این آیه که

"هر کس انسانی را زنده کند، مانند این است که همه مردم را زنده کرده باشد" به

چه معناست؟ حضرت فرمود: او را از آتش سوزی یا غرق شدن نجات دهد. گفتم:

کسی که او را از گمراهی به هدایت خارج کند، چطور؟ حضرت فرمود: این والاترین

تأویل آن است؛» کافی، ج ۲، ص ۲۱۰.

[۵۲←]

«عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع) قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): لِيُنصَحَ الرَّجُلُ مِنْكُمْ أَخَاهُ  
كَنصِيحَتِهِ لِنَفْسِهِ؛ إمام باقر(ع) می فرماید: رسول خدا(ص) فرمود: برای برادرانتان  
خیرخواهی نمایید؛ همان طور که برای خود خیرخواهی می کنید؛» کافی، ج ۲، ص  
۲۰۸.

[۵۳←]

«عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ قُلْتُ لَهُ قَوْلُ اللَّهِ تَعَالَى «مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ فَكَأَنَّمَا

قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعاً وَ مَنْ أَحْيَاها فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعاً» قَالَ مَنْ أَخْرَجَهَا مِنْ

ضَلَالٍ إِلَى الْهُدَى فَكَأَنَّمَا أَحْيَاها وَ مَنْ أَخْرَجَهَا مِنْ هُدًى إِلَى ضَلَالٍ فَقَدْ قَتَلَهَا؛ راوی

می گوید از امام صادق(ع) درباره این آیه پرسیدم: "هر کس نفسی را بکشد، بدون

این که او کسی را کشته باشد، مانند این است که همه مردم را کشته است و هر

کس او را زنده کند، مانند این است که همه مردم را زنده کرده باشد". حضرت

فرمود: کسی که انسانی را از گمراهی به هدایت خارج کند، مانند این است که او را

[۵۴←]

بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۳۷۲.

[۵۵←]

«عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): مَنْ أَصْبَحَ لِيَهْتَمَّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ

فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ؛ إمام صادق(ع) می فرماید: که رسول خدا(ص) فرمود: کسی که صبح

کند، در حالی که به مسائل مسلمانان اهتمامی ندارد، خود از مسلمانان نیست؛»

کافی، ج ۲، ص ۱۶۳.

[۵۶←]

«قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (ع): مَنْ نَصَبَ نَفْسَهُ لِلنَّاسِ إِمَامًا فَلْيَبْدَأْ بِتَعْلِيمِ نَفْسِهِ قَبْلَ تَعْلِيمِ غَيْرِهِ وَ لِيَكُنْ تَأْدِيبُهُ بِسِيرَتِهِ قَبْلَ تَأْدِيبِهِ بِلِسَانِهِ وَ مُعَلِّمُ نَفْسِهِ وَ مُؤَدِّبُهَا أَحَقُّ بِالْإِلِّ مِنَ مُعَلِّمِ النَّاسِ وَ مُؤَدِّبِهِمْ؛ امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید: کسی که خود را رهبر و پیشوای مردم قرار می‌دهد، پس باید ابتدا به آموزش خود بپردازد، قبل از این که بخواهد دیگران را آموزش دهد؛ و نیز قبل از آن که به زیانش مردم را تربیت کند، باید با رفتارشان آن‌ها را تربیت نماید؛ و کسی که آموزگار خود و مربی خود است، بیشتر سزاوار تجلیل است تا کسی که دیگران را آموزش می‌دهد و تربیت می‌کند؛»

نهج البلاغه، ص ۴۸۰، حکمت ۷۳.

[۵۷←]

«قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع): كُونُوا دُعَاةَ النَّاسِ بِأَعْمَالِكُمْ، وَ لَا تَكُونُوا دُعَاةَ بِلْسَانِكُمْ؛ امام صادق (ع) می‌فرماید: مردم را با رفتار خود فرا بخوانید، نه این که آن‌ها را با زبانتان فرا بخوانید؛» قرب الإسناد، ص ۷۷.

[۵۸←]

یکی از اساتید حوزه نقل می‌کرد: «در اوایل طلبگی دوستی داشتم که درس‌های حوزه را با هم بحث آقا! این «قال الصادق» و «قال الباقر» ها را دست کم نگیرید. فکر

نکنید اگر رفتید مثلاً دبیر شدید، آنجا خبری هست. نه آقا جان، هر چه هست،

همین جاست!» این سخن، باعث تنبه و بیداری دوست ما شد و از تصمیم خود منصرف شد.»

باید توجه داشت در این خاطره، آیت‌الله بهجت نه در مقام نکوهش شغل معلمی است و نه تذکر ایشان ناظر به روحانیونی است که به عنوان معلم به ایفای نقش طلبگی می‌پردازند. بلکه نظر ایشان صرفاً متوجه طلابی است که توفیق سربازی امام عصر (عج) را پیدا کرده‌اند، ولی به خاطر سختی این کار یا بهبود وضعیت معیشت، می‌خواهند طلبگی را رها کرده و شغل دیگری را اختیار نمایند.